



انترناسیونال ۳۸۰

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۳ دی ۱۳۸۹، ۲۴ دسامبر ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

زندگی انسانی حق مسلم ماست

نخواهیم و بی عدالتی ها و ثروت اندوزی اقلیت بی خاصیت مفتخور و حریص را بعنوان مشیت الهی بپذیریم. نان را از سفره هایمان برگرفته اند، حسرت و محرومیت را به سراپای وجود کودکانمان رانده اند. خود را صاحب همه چیز میدانند و ما

صفحه ۸

جامعه ما افکنده است و با بیرحمی ای باور نکردنی تلاش میکند هرچه بوی انسانیت میدهد را از ما بگیرد. شمشیر مذهب و خرافه و سنتهای عهد عتیق را برافراخته اند و ما را موجوداتی ناقص العقل و بدون شعور می پندارند که باید آنگونه باشیم که آنها میخواهند، آن را بیندیشیم که آنها میخواهند، از ثروتها هیچ

میخواهیم در رفاه و شادی، با منزلت و حرمت انسانی زندگی کنیم. میخواهیم جامعه ای بسازیم که در آن منزلت و آزادی و رفاه حق بی چون و چرای همه شهروندان است. بیش از سی سال است یک لشکر بیرحم جهل و چپاول، بعنوان حکومت، چنگال خود را بر

این شعاری است که ما کارگران و معلمان در اعتصابات و تجمعاتمان بارها فریاد زده ایم. ما کارگریم، معلمیم پرستاریم، بیکار شدگانیم، باز نشستگانیم، زنیم، مردیم، دختریم، پسریم، مردمیم انسانهاییم. جامعه ماییم. برده و بنده کسی نیستیم. ثروتهای جامعه از آن همه ماست.



در فاصله دو پلنوم

سخنرانی مصطفی صابر رئیس دفتر سیاسی

در پلنوم ۳۵ کمیته مرکزی

دوره پنج شش ماه گذشته بهترین دوره فعالیت حزب کمونیست کارگری بوده است. بی تردید بهترین دوره بوده است. حدود شش ماه پیش که در پلنوم بودیم، سؤالاتی جلوی

صفحه ۲

اعدام جنایتکارانه یازده نفر در زاهدان را شدیداً

محکوم میکنیم

سحرگاه دیروز جمهوری اسلامی در اقدامی جنایتکارانه یازده زندانی در زاهدان را به اتهام "رابطه" با گروه جندالله به "محاربه" محکوم و اعدام کرد. بهانه کشتار دیروز جمهوری

صفحه ۹

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران، صفحه ۱۰

هفته ای پرشور در حمایت از کارگران

زندانی در ایران

صفحه ۱۲

بازتاب هفته

ویکی لیکس و تلاطم در دنیای اطلاعات

بهرروز مهر آبادی

جهش قیمتها بعد از دو روز

محمد شکوهی

جمهوری اسلامی بار دیگر محکوم شد

بهرروز مهر آبادی

صفحات ۴-۵

کیفر خواستی علیه جمهوری اسلامی!

پرونده کهریزک، پرونده های دیگری را باز می کند!

هادی وقفی

را که امضای معاون دادستان

نظامی تهران را بر خود دارد، بر

علیه ۱۲ متهم پرونده کهریزک (

صفحه ۳

جمهوری اسلامی بالاخره هفته

گذشته مجبور شد کیفرخواستی

در دفاع از پناهجویان افغانستانی در ایران

توسط باندهای اسلامی را ترک

کرده اند. داستان زندگی این

پناهجویان در ایران، یک تراژدی

غم انگیز است. اگرچه همراه طبقه

زحمتکش در خود ایران، ثروت

صفحه ۷

محسن ابراهیمی

دو و نیم میلیون پناهجویی

افغانستانی در ایران هستند.

قربانیانی که افغانستان ویران شده

صفحات دیگر

صدای کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باشیم!

صفحه ۱۲

منزلت، معیشت حق مسلم ماست

یاشار سهندی، صفحه ۶

گره خوردن سرنوشت یارانه ها با "موجودیت" حکومت

هادی وقفی، صفحه ۷

درباره عملیات انتحاری در سوئد و راه مقابله با

تروریسم اسلامی

صفحه ۸

تجمع اعتراضی کارگران خدمات پالایشگاه

آبادان و کارگران سایا

صفحه ۹

گزارشات کوتاهی از اعتراضات مردم بدنبال حذف یارانه ها

صفحه ۱۱

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

ایران به مناسبت اجرای "طرح

حذف یارانه ها":

علیه فلاکت و رژیم اسلامی،

برای زندگی انسانی بپاخیزید!

کارگران، معلمان، دانشجویان، مردم آزاده!

پس از چندین ماه به تعویق انداختن طرح حذف یارانه ها، عمدتاً به دلیل هراس از اعتراض مردم و "فتنه اقتصادی"، سرانجام اجرای رسمی این طرح دیشب اعلام و از امروز با تشدید فضای پلیسی امنیتی در سطح شهرها آغاز شد. در همین قدم اول قیمت بنزین و گازوئیل و برق و گاز و آب بشدت افزایش یافت و همچنین بزودی افزایش قیمت آرد و نان نیز خواهد شد. این تنها مقدمه ای بر یک گرانی لگام گسیخته و یک فلاکت مدتها خواهد بود. مطابق این طرح قیمت همه کالاها بشدت افزایش خواهد یافت جز قیمت نیروی کار، یعنی مزد. همه چیز از نان و آب و مسکن تا خرج مدرسه و بیمارستان و مسافرت و غیره سر بفلک خواهد زد و در عوض آنچه که به حقیقت بیشتر سقوط خواهد کرد حقوق ها و دستمزدها یعنی ممر اصلی درآمد اکثریت عظیم مردم خواهد بود. سهم ناچیز ما از زندگی که خود میسازیم حتی رقت بارتر از این خواهد شد تا مگر سرمایه داری

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در فاصله دو پلنوم ...

از صفحه ۱



یک روزی عکس‌تار رفت روی جلد روزنامه "تایمز" و آمدند با شما مصاحبه کردند بعنوان "تروتسکی" ها و لنین های ایران، و امروز مینا احدی به اینجا رسیده است. منصور حکمت در بحث "حزب و جامعه" می گوید ما باید کاری بکنیم که بتوانیم پرچم کمونیسم را در تهران بگویم تا کارگر بیندمان و ما بسیار فراتر رفته ایم و الان دیگر داریم پرچم کمونیسم کارگری را در سطح جهانی به اهتزاز درمی آوریم. این موقعیتی است که ما بدست آورده ایم و من فکر می کنم باید مغرور و مفتخر باشیم به وضعیتی که به آن رسیده ایم. فکر می کنم تک تک ما که اینجا هستیم و بسیاری از اعضا و کادرهای حزب که در این پلنوم حضور ندارند و همینطور میلیون ها آدم شریف و انساندوستی که منتظر یک پرچمی مثل پرچم حزب کمونیست کارگری بودند، منتظر یکسری شعارها و خواسته های انسانی بودند که منصور حکمت مطرح کرده است (مثل "اعدام قتل عمد دولتی است" و بقیه چیزهایی که گفته) و منتظر چهره هایی مثل مینا احدی و مریم نمازی و سایر رفقای بودند که دارند جلو می آیند، باید قدر و اهمیت این موقعیت را بدانیم. ما داریم این را به جهان عرضه می کنیم، فقط ایران نیست. این موقعیتی است که ما بطور واقعی از آن برخورداریم. شاید دارم قدری "کنتراست" را بالا می برم تا وضعیت خودمان را ببینیم. اما بنظر من، این ارزیابی واقعی است. ما به اینجا رسیده ایم و امروز پس از سی سال کار و فعالیت باصطلاح "نور ته تونل" دارد پیدا می شود. سرانجام دارد معلوم می شود که چطور می شود یکبار دیگر انقلاب بلشویکی کرد. دارد معلوم می شود که چطور می شود کمونیسم مارکس را به یک جریان اصلی در سیاست تبدیل کرد و پرچم و نماینده سیاسی اش را ارائه داد. بنظر من، کاری که ما در این شش ماه کردیم، عظیم است. فوق العاده و تاریخی است. این احساس من است. در پلنوم قبل احساس خود من این بود که جامعه ایران وارد تحولات عظیمی خواهد شد که تحولات تاکنونی و حتی انقلابی که در سال

۸۸ شروع شد و پیش آمد، در مقایسه با آن تحولاتی که پیش خواهد آمد حکم بازیچه را خواهند داشت و هنوز هم همین اعتقاد را دارم. ما وارد دورانی بسیار طوفانی و پرتحول خواهیم شد. آن روز سؤال من این بود که آیا حزب کمونیست کارگری می تواند حزب چنین دوره ای باشد؟ حزبی که مردم ایران را متشکل کند و واقعا تغییراتی به نفع مردم بوجود بیاورد؟ آنروز پاسخ من این بود که حزب کمونیست کارگری هم هست، هم نیست! بدلیلی هست و بدلیلی نیست. و امروز باید بگویم حزب کمونیست کارگری بسیار بیشتر از آن زمان حزب این کار است. ما خیلی چیزها را در این دوره پیش بردیم و یاد گرفتیم که بسیار در آینده حزب تاثیرگذار خواهد بود. از جمله شاید مهمترین چیزی که ما در ایندوره یاد گرفتیم، کار اجتماعی و رهبری اجتماعی بود آنهم نه رهبری اجتماعی به این معنا که توده وسیعی را در یک جغرافیای معین بدنبال خودت بکشی بلکه یک رهبری اجتماعی - جهانی را یاد گرفتیم. برای مثال ما برای اولین بار توانستیم صد و یازده شهر جهان را علیه سنگسار بیدان بیاوریم. شما همین یک نمونه را دقت کنید. بعد از تحولاتی مثل جنبش "آنتی گلوبالایزاسیون" یا جنبش ضد جنگ که بسیاری از مردم دنیا در شهرهای مختلف در آن درگیر شدند، این برای اولین بار بود که یک حزب سیاسی و آنهم باصطلاح جهان سومی و خاورمیانه ای جلو می آمد و میلیون ها آدم را از برزیل تا اوکراین و تاجیکستان حول دفاع از حقوق یک زن و اینکه یک زن را از سنگسار نجات دهد و حول اینکه از حقوق مردم ایران دفاع کند، بحرکت در می آورد. بی تردید این تأثیر انقلابی بود که از سال ۸۸ شروع شد. بی تردید این تأثیر برآمد میلیونی طبقه ما و جنبش ما در ایران بود. ولی رفقا در این شش ماه ما موفق شدیم به این تمایل و به این جنبش اجتماعی پرچم بدهیم. چهره و اسم بدهیم و اسمش هم بالاخره آمد! "مینا احدی کمونیست". اسم این حرکت آمد و خودشان آوردند. جمهوری اسلامی آورد و بنظر من، برنامه هایی تلویزیونی که علیه مینا پخش کرد، در جای خودش بهترین تبلیغ بود برای مینا احدی، برای حزب کمونیست کارگری و برای حمید تقوایی و منصور حکمت و همه ما. زنده باد مینا احدی، زنده باد حزب

کمونیست کارگری! (دست زدن حضار)
نمی خواهم رفقا خودمان را تهییج کنم و نمی خواهم به خودمان غره شویم. بخوبی می دانم و شما هم بهتر از من می دانید که راه بسیار دشوار و پر پیچ و خمی را در پیش داریم. بسیار مخاطرات در کمین ما نشسته است. چه مخاطرات امنیتی در کمین جانمان، و چه وقتی این اهمیت سیاسی را پیدا کنیم دشمنانی پیدا خواهیم کرد که از در و دیوار سرمان خواهند ریخت. توی "سی ان ان" و غیره. باز یادش بخیر منصور حکمت اینرا هم گفت که همین به اصطلاح چپ های دور و بر میشوند مفسر علیه ما که "اینها را می شناسیم"، "اینها تروریست اند" و نظیر این. و الان همین شروع شده است. در گزارشی که دیشب مینا میداد به این تلاشها اشاره کرد. این شروع شده است و ما بسیار بدتر از این را خواهیم داشت.
یک زمانی منصور حکمت می گفت پل ها پشت سر حزب کمونیست کارگری خراب شده است. من می گویم الان حزب کمونیست کارگری در وسط یک معرکه عظیم اجتماعی و یک دعوی عظیم جهانی افتاده است که هیچ راهی جز اینکه محکم بکوبد و جلو برود، ندارد. کاری که ما تا اینجا کرده ایم، در مقابل کاری که باید بکنیم و آمادگی که باید برای آینده داشته باشیم، باز حکم بازیچه ای را خواهد داشت. سؤال این است که چقدر آماده ایم و چقدر می توانیم این وظایفی را که پیش رویمان قرار گرفته است، انجام بدهیم؟ باید واقع بین باشیم. ما هنوز مشکلات و کمبودهای زیادی داریم که باید برطرف کنیم. من در اینجا نمی خواهم وارد همه مشکلات شوم. اما می خواهم روی یک نکته تأکید کنم و آن این است که ما هنوز خیلی وقت ها خودمان را در موقعیت رهبر جامعه نمی بینیم. یعنی رفتار، وجنات، حرکات و نحوه برخوردمان مثل یک رهبر اجتماعی و با اعتماد به نفس نیست. بسیاری مواقع درگیر دعوا با حاشیه های سیاست می شویم! خوب، باید جوابشان را داد و برخورد کرد و به سر جایشان نشان داد. اما ما باید در

سطح بالاتری بایستیم. ما نه تنها رقیبی در میان چپ نداریم بلکه هیچ رقیبی در میان اپوزیسیون نیز نداریم. ما موقعیت کاملاً منحصر بفردی داریم و قبلاً هم بارها در موردش صحبت کرده ایم (و منصور حکمت که همیشه از این "موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری" حرف می زد) و الان رسیده ایم به جایی که آن موقعیت ویژه را به یک واقعیت مادی و متعین تری تبدیل کرده ایم و باید بتوانیم اینرا ادامه دهیم و این مواعی را که بر سر راهمان است، برداریم.
یک مشکل دیگری که سر راهمان وجود دارد، مسئله ای است که ما به آن می گویم سازماندهی. که شاید لغت سازماندهی مساله را نرساند. سازماندهی فعالیت اجتماعی و پراتیک اجتماعی - انقلابی. ما اینرا بلد نبودیم برای اینکه خاستگاه ما (بعنوان یک جریان حزبی) جای دیگری بود. و باز به لطف منصور حکمت دائماً تلاش کردیم که از آن خاستگاه قبلی یعنی آن چپ سنتی و منزوی در جامعه جدا شویم و به یک جریان کارگری، اجتماعی و انسانی و همه جانبه ای که رهبر جامعه می شود، تبدیل شویم. الان به جایی رسیده ایم که با یک نقطه عطف روبرویم. از نقطه نظر نحوه فعالیت. از نقطه نظر نگاه به خودمان. از نقطه نظر سیاست عضوگیری و نحوه سازماندهی خودمان. و این را هم اگر ضرر دنیای اینترنت و فیسبوک و دنیای سال ۲۰۱۰ بکنید، آنوقت خواهید دید که خیلی کارها داریم که باید انجام دهیم و خیلی تصحیحات باید در کارمان بکنیم. امیلوارم حمید تقوایی در "سمینار سازماندهی" یا چیزی تحت همین عنوان که در این پلنوم داریم این مسائل را بهتر باز کند. چون حمید خلاصه صحبت هاش را در دفتر سیاسی طرح کرد و بحث های خیلی جالبی است و من فکر می کنم راهگشا هست.
یکبار دیگر بخاطر این فعالیت ها به همه تان تبریک میگویم و خیلی خوشحالم که با چنین حزبی هستیم. *
(با تشکر از رفیق هادی وقفی که این متن را برای انترناسیونال پیاده کرده است)

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید
سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجالبی
بدل میشود!

کیفرخواستی علیه جمهوری اسلامی!... از صفحه ۱

مرتضوی - که حتی بر اساس همین اندازه از اعترافات سردار "عزیز الله رجب زاده" فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ و سرهنگ "روانبخش فلاح" رئیس بازرسی نیروی انتظامی تهران می بایست بعنوان متهم ردیف اول پرونده از او نام برده می شد - اسم برده شده است اما، بطور کاملاً واضحی دستگاه قضایی جرأت نکرده است او را بعنوان متهم پای میز محاکمه بکشاند. در واقع، اسم قاضی مرتضوی هست، اما از خود ایشان خبری نیست! بر اساس همین کیفرخواست، سرهنگ روانبخش فلاح اعتراف کرده است که در پی تماس تلفنی سردار رجب زاده، فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ و بالاترین مقام متهم این پرونده، مأمور شده تا "به دستور دادستان عمومی تهران" گزارش خلاف واقعی را در مورد علت مرگ جانباختگان و عدم ضرب و شتم تنظیم و به امضای رئیس و پزشک زندان (دکتر فرهمند پور) برسانند که البته ایشان امتناع می کنند و سرهنگ کمیجانی رئیس زندان ناچار به "رامین پوراندروزی" - پزشکی که بعدها بطور مرموزی در خوابگاه محل خدمتش فوت کرد و دلیلش هم خودکشی اعلام شد - مراجعه می نماید که او هم امتناع می کند. ضمن آنکه مرتضوی و سایر مقامات دادستانی تهران هم در همین ایام مدام در گفتگو با رسانه ها اعلام می کنند که علت مرگ جانباختگان کهریزک منتهی بوده است! سرهنگ روانبخش فلاح همچنین اعتراف کرده است که سعید مرتضوی به او گفته چنین گزارشی بلحاظ مصلحت لازم است و متن آن را خود مرتضوی برای او دیکته کرده است!

در طول این کیفرخواست ۲۷ صفحه ای به اتهامات رده های دیگر نیروی انتظامی که هر کدام در ضرب و جرح و شکنجه متهمان دست داشته اند و همچنین به اتهامات متهم غیرنظامی این پرونده که با کمک به ایراد ضرب و جرح، شکنجه و تحقیر و توهین بازداشت شدگان دستورات مقامات مافوق را اجرا کرده اند، اشاره شده است. به اینکه زندانیان را

۱۱ نفر نظامی و یک غیر نظامی باصطلاح اراذل و اوباش همکار نیروی انتظامی) صادر کند تا شاید بتواند نقطه ختمی بگذارد به پرونده ای که به سرنوشت ولایت فقیه و دستگاه امنیتی و آدمکشی تحت امرش گره خورده است. نظام اسلامی از ابتدای مطرح شدن پرونده کهریزک تلاش بسیاری کرد تا ابعاد پشت پرده آن و اسم آمرانی که دستور شکنجه ها، تجاوزها و کشتارها را صادر کرده و بعد خواستار آن شده بودند که گزارش خلاف واقع در توضیح علت مرگ جانباختگان نوشته شود، مخفی بماند. ابتدا تحت فشار جو اعتراضی موجود در جامعه و شکایت شکنجه شدگان و خانواده های جانباختگان و بدنبال یکسری دادگاههای نمایشی نام دو تن از مسئولان رده پایین نیروی انتظامی را بعنوان قاتل محسن روح الامینی، محمد کامرانی و امیر جواد فر معرفی کردند. بدون آنکه اشاره ای به اسم آمران شکنجه ها و تجاوزهایی کند که در کهریزک صورت گرفته بود. و این به هیچ وجه کسی را قانع نکرد. کسانی که شکنجه شده بودند و خانواده جانباختگان کهریزک (که دو تن از آنان از خودی های رژیم محسوب می شوند) خواستار محاکمه قضات دخیل در این پرونده بودند و بالاخره تحت همین شرایط بن بست و فشار بود که چندی پیش عباس جعفری دولت آبادی مجبور شد از تعلیق قاضی مرتضوی (دادستان وقت)، قاضی حداد (معاون امنیت وقت دادستان) و علی اکبر حیدری فر (دادیاری که دستور انتقال متهمان به کهریزک را صادر کرده بود) خبر دهد. مقامات دستگاه قضایی ایران بعدها همواره به خبرنگاران گفتند که هیچ پرونده ای برای سه مقام قضایی مورد اشاره تشکیل نشده و در صورت ارجاع چنین پرونده ای، رسیدگی خواهند کرد!

در کیفرخواستی که در سازمان قضایی نیروهای مسلح تنظیم شده است، البته از اسم دانه درشت های پرونده کهریزک - بعنوان متهم - خبری نیست. اگر چه در آن از قاضی

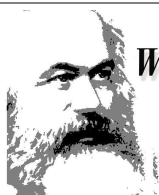
همراه با تحقیر و توهین و شکنجه ساعتها از پا آویزان کرده اند. به اینکه بازداشتی ها را لخت کرده و با لوله پی وی سی کتک زده اند. به اینکه "استوار حسینی فر" یکی از زندانیان را در محوطه ای خارج از بازداشتگاه تا کمر در خاک دفن کرده و تا صبح روز بعد او را تنها و بدون حضور نگهبان در آنجا رها نموده است! استوار حسینی فر در اعترافش گفته است که این کار را بدستور رئیس زندان و برای ارباب و ترساندن زندانیان انجام داده است. به اینکه تمام زندانیان را در یک فضای ۶۵ متری نگاه داشته اند بگونه ای که بسیاری از آنها بطور ایستاده شب را به صبح می رسانده اند و برای تمام زندانیان دو دستگاه دستشویی وجود داشته که یکی از آنها خراب بوده و زندانیان می بایست پابرهنه در آنجا تردد می کرده اند! اینکه ضرب و جرح و شکنجه زندانی ها با حضور رئیس زندان انجام گرفته و این به اعتراف تمام این متهمین، از سرتیپش گرفته تا سرهنگ و استوارش، "روال جاری" بازداشتگاه بوده است! کیفرخواست اشاره کرده است که غذای بازداشت شدگان دو وعده سیب زمینی کوچک و نصف نان بوده است که بسیاری از بازداشت شدگان به همین علت و نیز بدلیل جراحات وارده حاصل از ضرب و شتم از حال رفته و توانایی خود را از دست داده اند. و از اعترافات سرهنگ کمیجانی رئیس بازداشتگاه نقل کرده است که "آنجا بازداشتگاه نبود. کافتخانه درست کرده بودند و روزانه دو تانکر آب در اختیار بازداشتگاه می گذاشتند و دو وعده غذا برای بازداشتی ها می فرستادند!"

کیفرخواست دادستانی نظامی تهران در غیاب متهمان ردیف اول این پرونده، بشرح - فقط - گوشه ای از وحشیگریها و جنایات صورت گرفته در کهریزک و سایر بازداشتگاهها و سیاهچالهای مرگ رژیم اسلامی پرداخته و در نهایت خواسته است با صدور حکم اعدام برای دو نفر از متهمان، حبس و شلاق و انفصال از خدمت و پرداخت دیه برای ۹ نفر و تبرئه یکی از آنها پرونده را خاتمه یافته اعلام کند! و تازه آینده همین احکام هم نامشخص است. تجربه نشان داده است که وقتی پرونده

نورچشمی های حکومت به اینجا رسیده است، متهمان آن پس از مدت کوتاهی از زندان آزاد شده و به مناصب دیگری گمارده شده اند! اما جمهوری اسلامی در مورد کهریزک هرچه بیشتر تقلا کرده، بیشتر پایش در گل گیر کرده است. کیفرخواستی که در آن فرمانده نیروی انتظامی پایتخت دارد اعتراف می کند که دستور آدمکشی و بعد پرونده سازی برای انکار جنایات را از قاضی مرتضوی گرفته است و از مرتضوی هم نه تنها خبری نیست بلکه برای مصون داشتنش و به پاس خوش خدمتی هایش پستهای دیگری برای او در نظر گرفته اند. ظرفیت وحشیگری و آدمکشی دستگاه جنایت جمهوری اسلامی و بی در و پیکر بودن این ساختار قضایی، و عادی و طبیعی بودن تصمیم برای آدمکشی نزد این باصطلاح مقامات در این تلاشها بیشتر و بیشتر جلوی چشم قرار میگیرد. در همین کیفرخواستها و دادگاههای کذایی پاسداران و فرماندهان عرصه های مختلف سرکوب و کشتار حکومت دارند اعتراف می کنند که این شکنجه ها و کشتارها "روال جاری" بازداشتگاه بوده است، یعنی این روال جاری بازداشتگاه قبل از سال ۸۸ بوده است. یعنی قبل از وقایع خیابانی سال گذشته و اساساً از زمان تأسیس کهریزک، این شکنجه ها و کشتارها روال جاری بازداشتگاه بوده است. و یعنی اینکه این روال جاری تمام بازداشتگاههایی بوده است که این جانینان در آنها پرورش یافته اند، آدمکشی یاد گرفته اند، درجه گرفته اند و سرهنگ و تیمسار و فرمانده و قاضی و دادستان شده اند! چنین کیفرخواستی، به هیچ وجه اعلام ختم پرونده نیست! اعلام باز شدن پرونده جدیدی است. اینبار مستقیماً با حضور مرتضوی و خامنه ای. پرونده کهریزک، پرونده اعدام ها، سنگسارها، شکنجه ها و تحقیرها و بی حرمت کردن های سی ساله این حکومت است. مردم ایران و هم

اکنون دیگر تمام مردم جهان بخوبی می دانند که جمهوری اسلامی، یک ماشین سی ساله جنایت است. می دانند که سعید مرتضوی، قاضی حداد و حیدری فر و جانورانی امثال آنها، دستورات مقام های بالاتر از خود را که از خامنه ای و پسرش مجتبی تا احمدی نژاد و هاشمی و خاتمی و موسوی و صادق لاریجانی و محسنی اژه ای و غیره را در بر می گیرد، اجرا کرده اند. تمام این ایت الله های میلیاردی بطور مستقیم آدمکش پرورش داده اند تا دستوراتشان را موبه مواجرا کنند. پرونده کهریزک را نه فقط بدون محاکمه مرتضوی نمی توانند خاتمه یافته اعلام کنند، بلکه این سرنخ تمام جنایات حکومت است که گلولی حکومت را گرفته است. جمهوری اسلامی گمان می کند می تواند ۹ سال پرونده شهلا جاهد را کش دهد و زنی تنها و بی پناه را در چنگال قوانین زن ستیز و ضدانسان اسلامی خود اسیر کند و بر عکس، قاتلان میلیاردی فرزندان مردم را از دیده ها مخفی نماید و تلاش کند پرونده شان را هر چه زودتر و اتفاقاً در فرصتی که هیاهوی پیرامون طرح هدفمند کردن یارانه ها بدست داده است، ماسمالی کند! نفس جنایات، شکنجه ها و تجاوزهای صورت گرفته در کهریزک يك مسئله است و پرداختن به موضوع جانباختگان مسئله ای دیگر. تمام اینها باید باز و بررسی شوند و نظام اسلامی میخواهد تمام اینها را ماسمالی کند!

کیفرخواست دادستان نظامی تهران، کیفرخواستی است که پرونده کهریزک را همچنان باز نگاه خواهد داشت و پرونده کهریزک، پرونده های دیگری را باز خواهد کرد. پرونده محاکمه سی سال جنایات و پرونده سازی های مرتضوی، خامنه ای و کل دم دستگاه آخوندهای مفتخور و عقب مانده. این کیفرخواستی است علیه جمهوری اسلامی!*



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

زنده باد سوسیالیسم!

بازتاب هفته

ویکی لیکس و تلاطم در دنیای اطلاعات



بهروز مهر آبادی

در ماه آپریل گذشته ویدئوی حمله هلیکوپترهای نظامی آمریکا به تعداد غیر نظامی از جمله دو خبرنگار توسط سایت ویکی لیکس انتشار یافت و میلیونها نفر در سراسر جهان شاهد این جنایت شدند. این کشتار در سال ۲۰۰۷ انجام شده بود و مقامات آمریکائی منکر آن شده بودند. بردلی مانینگ سرباز جوانی که این اطلاعات را در اختیار ویکی لیکس گذاشته بود زندانی شد و گفته می شود که ممکن است بخاطر افزایش اسناد محرمانه به بیش از ۵۰ سال زندان محکوم شود، اما ظاهرا نظامیانی که دستور حمله به غیرنظامیان و کشتار آنها را دادند و همچنین فرماندهان ارتش آمریکا و مقامات عالی مقام آمریکائی که اسناد این جنایت را مخفی کردند، نه تنها از هر گونه پیگیری معاف هستند بلکه بعنوان مظلوم دست به

حمله بر علیه افشا کنندگان زده اند. سمت و سوی این حمله سایت ویکی لیکس و بنیانگذار آن جولین آسانژ هستند. اسناد جدیدی که در طول چند ماهه گذشته توسط ویکی لیکس منتشر شده مقامات آمریکائی و رهبران بسیاری از دولت ها را دچار حملات عصبی نموده است. نام روسای بسیاری از دولت ها در این اسناد به چشم می خورد. از احمدی نژاد و کرزای گرفته تا سارکوزی، ولادیمیر پوتین و آنجلا مرکل. نام مقامات مختلف آمریکائی و دولت های مختلف از قبیل عراق، ترکیه، سوئد، نروژ، انگلیس، ایتالیا، روسیه، ترکمنستان و در این گزارش به چشم می خورد. با خواندن این اسناد می شود دید که در پس لبخندهای ملیحی که روسای دولت ها به هم نشان می کنند، در پشت مجیزگوئی ها، تعارفات دیپلماتیک و روابط ظاهرا صمیمانه این حضرات، چه بند و بست ها و چه روابط کثیف و غیر انسانی برقرار است.

در این اسناد می توان درباره جنایات جمهوری اسلامی، کمک به گروههای تروریستی در کشورهای مختلف و ترک برداشتن پایه های این رژیم، از بند و بست بر سر فروش هواپیماهای جنگی بین آمریکا و

نروژ، از جاسوسی کارمندان آمریکائی شاغل در سازمان ملل و شنود مکالمات مسئولان این سازمان، از استفاده کودکان آفریقائی توسط شرکت داروئی فایزر و مرگ این کودکان و هزاران خبر دیگر از واقعیت کثیف پشت پرده روابط دولت ها و شرکت های بزرگ را خواند و با خواندن گوشه ای از اسناد منتشر شده می توان دلیل خشم دولت های مختلف را دریافت. مقامات آمریکائی رسماً جولیان آسانژ را تهدید به مرگ نمودند. موسسات اعتباری و مالی مانند ویزا کارد، پی پال و مسترکارد مانع واریز کمک های مالی به حساب ویکی لیکس شدند. یک بانک سوییسی حساب این موسسه را مسدود کرد. سایت ویکی لیکس مورد حمله قرار گرفت و مسدود شد. اما طرفداران ویکی لیکس هم بیکار نشستند. سیستم های کامپیوتری این بانک ها مورد حمله هکر ها قرار گرفت و صدها سایت و رسانه خبری امکانات خود را در اختیار ویکی لیکس قرار دادند تا بتواند برای ادامه فعالیت خود از آنها استفاده کند.

همزمان با انتشار این اسناد جولیان آسانژ از طرف مقامات قضائی و پلیس سوئد تحت تعقیب قرار گرفت. جرم او تجاوز به دو دختر جوان اعلام شده است. اما درباره این ماجرا ابهامات زیادی وجود دارد. کسانی که در سوئد زندگی می کنند،

این تجربه را دارند که دستگاه قضائی سوئد زیر نفوذ سیاست دولتها و سرمایه داران حاکم بر این کشور است و نمی توان به بیطرفی آن اطمینان داشت. رسانه های عمومی هم تقریباً در انحصار دولت و تعداد معدودی شرکت های بزرگ مالی هستند که جناحهای مختلف حکومت را نمایندگی می کنند و در این زمینه صدای اعتراض به قوه قضائیه کمتر بگوش می رسد. آسانژ اتهامات وارد به خود را رد کرده و آن را یک پرونده سازی بر علیه خود اعلام نموده است. مقامات قضائی سوئد در ابتدا این اتهام را بی پایه اعلام کرده و حکم تعقیب او را لغو کردند، اما پس از چند روز دوباره این اتهام را بر علیه او مطرح و دستگیری او را از پلیس بین المللی خواستند. آسانژ که در انگلیس بسر می برد، به پلیس انگلیس مراجعه کرد و برای مدتی در بازداشت بود. یک دادگاه انگلیس حکم آزادی او را در قبال ضامن صادر کرد و مقامات سوئدی به این حکم اعتراض کردند ولی دادگاه عالیتری این اعتراض را وارد ندانست و آسانژ هفته قبل آزاد شد. دهها شخصیت مشهور برای سپردن تضمین برای آزادی او اظهار آمادگی کردند و آزادی او با شادی و استقبال طرفدارانش روبرو شد اما خطر فرستادن او به سوئد و تحویل او به مقامات آمریکائی هنوز برطرف نشده است.

هدف ویکی لیکس و جولیان آسانژ از انتشار اسناد محرمانه هر چه باشد، استقبال از این عمل و انعکاس آن نیاز جهان امروز را به دسترسی به اطلاعات نشان می دهد. مقامات آمریکائی و بسیاری از دولتها اعلام کردند که اسناد منتشر شده قدیمی و سوخته است اما با وجود این از انتشار همین اسناد قدیمی و اطلاعات سوخته به وحشت می افتند و تلاش می کنند تا آن را از دسترس مردم دور نگه دارند. دولت آمریکا حتی از کارمندان خود خواسته است تا از خواندن اسناد منتشر شده توسط ویکی لیکس خودداری کنند و خواندن این اسناد ممکن است خطر اخراج از کار را برای آنها داشته باشد. جنجالی که بر سر ویکی لیکس به راه افتاده بار دیگر نشان می دهد که آزادی بیان در کشورهای سردمدار دموکراسی همچون آمریکا تا آنجا می تواند معنی پیدا کند که به منافع طبقه حاکمه لطمه ای نزند. می توان گفت پس از دوران رنسانس مباحث آزادی بیان، امکان دسترسی همگانی به اطلاعات، استقلال دستگاه قضائی یک بار دیگر بطور جلی و این بار در سطح بسیار گسترده تری در جوامع مختلف جهان مطرح شده است. در پس این جدال ها آن نیروهای سیاسی می توانند ابراز وجود کنند و حرف آخر را بزنند که این مباحث، مبنای وجودی آنها است.

تشدید دعوای و دزدیها در بالای حکومت



غلام اکبری

هفته اخیر درگیریها بین سران و مانند رژیم اسلامی باز هم بالا گرفت. گرچه انعکاس این جدلهای درون خانوادگی حکومتیان تا حدی تحت الشعاع اعلام شروع پروژه "قطع یارانه" ها قرار گرفت که روز شنبه از طرف احمدی نژاد اعلام شد. و از آنجایی که قیمت نان و آب و برق و بنزین مستقیماً به زندگی میلیونها انسان که سالهاست زیر خط فقر زندگی میکنند، ربط دارد، خبرهای شاخ و شانه کشیدنهای قوای سه گانه اسلامی برای هم زیاد مورد توجه مردم قرار نگرفت. طبیعی است که قیمت بنزین

و نان برای مردم مهمتر است از اینکه نماینده ای از مجلس به نام الیاس ناداران از اینکه آقای رحیمی معاون اول احمدی نژاد به دادگاه احضار نشده اظهار ناراحتی کند. برای مردمی که تا همین چند ماه پیش (قبل از اینکه آقایان برای "قطع یارانه ها" عظم جزم کنند) بیش از ۶۰ درصدشان زیر خط فقر زندگی میکردند، قیمت آب خیلی حیاتی تر بنظر میرسد از اینکه حسین قدیانی (نوجه شریعتمداری) در وبلاکش به قوه قضائیه میبرد (البته ظاهراً به بهانه زدن موسوی و کروبی) و قوه قضائیه هم وبلاکش را میبندد. اینکه کنفرانس مطبوعاتی معاون اول احمدی نژاد چهارشنبه برگزار نشد شاید برای ژورنالیستهای جناحهای مختلف خبر داغ و تعیین کننده بود تا اینکه در آخرین لحظات روز چهارشنبه موقع سفر احمدی به ترکیه، توانستند یقه معاونش را بگیرند و بپرسند که: کنفرانس مطبوعاتی چی شد که قرار بود جواب معاون قوه قضائیه را

بدهی؟ «(چهارشنبه ۱ دی) به گزارش خبرنگار سیاسی ایرنا، محمدرضا رحیمی پس از شرکت در مراسم بدرقه رئیس جمهور که لحظاتی پیش عازم ترکیه شد، در پاسخ به سوال خبرنگار ایرنا در خصوص ادعای برخی مبنی بر احتمال تغییر معاون اول رئیس جمهور، گفت: تا احمدی نژاد هست من هم معاون ایشان خواهم ماند. وی که در جمع خبرنگاران سخن می گفت، در خصوص اتهاماتی که به او وارد شده است، گفت: در این خصوص حتماً نشست خبری خواهم گذاشت من باید حرف هایم را بگویم. قرار بود امروز چهارشنبه محمدرضا رحیمی معاون اول رئیس جمهور نشست خبری با خبرنگاران داشته باشد که این نشست به بعد موکول شد. "اینکه وزیر و معاون عوض میشود، گره ای از مشکلات مردم باز نمیکند. همه مردم شریف و زحمتکش ایران این را خوب میدانند. چه متکی چه صالحی، برای مردم فرقی نمیکند.

گرچه برای خودشان که مشغول چاپیدن هستند و در اریکه قدرت نشسته اند خیلی حیاتی باشد که کی دست بالا را دارد. اما برای اکثریت مطلق مردم ایران هیچ فرقی نمیکند که متکی وزیر خارجه باشد یا صالحی، یا اینکه رحیمی معاون اول باشد یا مثل ما بقی هم پرونده ایهایش پست نان و آب داری را ازش بگیرند. در وهله اول شاید برای مردم زیاد مهم نباشد، اینکه منظور رحیمی چه بوده است، وقتی گفته: "تا احمدی نژاد هست من هم معاون ایشان خواهم بود" اما وقتی عمیقتر به این گفته یکی از دزدان حاکم، مینگریم، این حقیقت بویش به مشام میرسد که رحیمی تهدید میکند: که رئیس ایشان احمدی نژاد دستور داده و ایشان عمل کرده است. اگر قرار است دزد بگیرند اول باید رئیس دزدها را هم بگیرند. روشن است که دعوای داخلی رژیم بیشتر بر سر این است که میخواهند سهم خود از دزدی اموال و ثروتهای جامعه

را بیشتر کنند. اما اینکه مدام اینها به جان هم می افتند و اینکه پی در پی جناح تازه در حکومت درست میشود و نزاعهایشان بالا میگیرد گویای یک چیز است و آن خراب بودن وضع حکومت است. اساس مساله اینست که اینها پایه حکومتشان را سست می بینند. خشم و نفرت فزاینده مردم را شاهدند و وحشتشان از خیزش مجدد مردمی است که یک بار در همین سال پیش این حکومت را تا آستانه سرنگونی کشاندند. در این فضای نگرانی و بی آیندگی است که دیگر کسی حرف کسی را نمیخواند و مدام همدیگر را گاز میگیرند و تلاش میکنند در دزدی از یکدیگر جلو بزنند تا آینده شخصی خود را تضمین کنند. این وسط مردم باید فکری برای سفره خالی امروز خود و آینده فرزندانانش بکنند و کل این زالوهای خونخوار را به زباله دان تاریخ بفرستند. *

بازتاب هفته

جهش قیمتها بعد از دو روز



محمد شکوهی

از روز یکشنبه ۲۸ آذر ماه به فرمان احمدی نژاد طرح "هدفمند کردن یارانه ها" یا در واقع حذف یارانه ها و آزاد کردن قیمتها، رسماً کلید خورد. بلافاصله نیروی انتظامی که از چند هفته قبل در آماده باش کامل برای جلوگیری از "اخلال در امر اجرای طرح" بود، اطلاعیه داد و اعلام کرد که اتفاق بخصوصی نیفتاده و شهر آرام است! روز بعد از آن دادستان کل رژیم و سخنگوی قوه قضائیه در کنفرانس مطبوعاتی اش اعلام کرد که: سیستم اطلاعاتی در هماهنگی بین دادسراها و استانداری ها ایجاد شده! نیروی انتظامی و قوه قضائیه با "اخلالگران و سودجویان" در اجرای طرح هدفمندی یارانه ها برخورد می کنند!

وزارت خانه های اقتصاد و بازرگانی به همراه اطاق اصناف و ارگانهای مربوطه، شهرداریها، فرمانداریها و استانداریهای سراسر کشور شب و دوشنبه جلسات اضطراری تشکیل دادند تا نحوه و چند و چون اعلام قیمتهای تازه را بررسی کرده تا به گفته خودشان مردم برای "شوک ایجاد شده" در نتیجه اجرای طرح جراحی اقتصادی شان، غافلگیر نشوند! مدیا و دم و دستگاه تبلیغاتی دولت و صدا و سیما مدام مردم را به "صبوری و بردباری، و انتظار" برای عملی کردن طرح فراخوانده و ترس و وحشتشان را از عوارض "غیر مترقبه" اجرای طرح به نمایش گذاشتند. ستاد هدفمندی یارانه ها اطلاعیه پشت اطلاعیه داده و ضمن تلاش برای دادن "اطمینان به مردم"، اقدام به اعلام قیمتهای جدید بعد از اجرای طرح کرد. کل حکومت و دولت روزهای پر اضطراب و تب و تاب را آغاز کرده اند. نگران و وحشت زده، منتظر واکنش مردم می باشند. در يك كلام با اعلام حکومت نظامی و در اوج ترس و وحشت از اعتراضات مردم و دست به عصا، طرح شان را به اجرا گذاشته اند. در این میان خود

سران و مقامات دست اندار دولت و امور طرح یارانه ها ناچار شدند اعتراف بکنند که قیمتها بین ۲۵ تا ۳۵ درصد جهش خواهند داشت. بانک مرکزی اعلام کرد که منتظر واکنش مردم و موسسات پولی و بازار به اجرای این طرح می باشد. تأیید کردند که تورم تا آستانه عید به بیش از ۳۰ درصد خواهد رسید. اعلام کرده اند که بیش از ۲۰۰ سناریوی قیمت تعیین شده در دست دارند! طرح "هدفمند کردن یارانه" اسم رمز حذف یارانه ها و آزاد سازی قیمتها می باشد. در اینجا سعی می شود يك تصویر عمومی از موضوع افزایش قیمتها بعد از اجرای طرح حذف یارانه ها با استناد به آمار و ارقام نه چندان دقیق که حکومت داده شود، تا روشن شود که معنای عملی این طرح تبعات و عواقب آن بر قیمت کالاهای اساسی مورد مصرف مردم چه بوده و در همین فاصله کوتاه تا چه اندازه قیمتها بالا رفته و چه تغییراتی فقط در عرض دو روز بعد از اعلام آغاز متوجه قیمتها شده است. برای این منظور بد نیست نگاهی به افزایش قیمتها با استناد به آمارهای دولتی داشته باشیم. هر چند که دامنه و ابعاد جهش صعودی قیمتها به مراتب بیشتر از آن چیزی است که آمارهای دولتی اعلام کرده اند. اما همین آمار و ارقام خود گویای گرانی گسترده، افزایش نجومی قیمت ها، بویژه قیمت کالاهای اساسی مورد مصرف مردم می باشد.

گرانی بیشتر و بیشتر دولت و اطلاعیه های "ستاد هدفمندی یارانه ها" دو روز بعد از آغاز اجرای طرح، قیمتهای جدید را در بخش های مختلف به شرح زیر اعلام کرده اند.

در بخش انرژی مواد سوختی: بنزین معمولی از ۴۰۰۰ ریال به ۷۰۰۰ ریال، بنزین سوپر از ۵۰۰۰ ریال به ۸۰۰۰ ریال، گازوئیل از ۱۵۰۰ ریال به ۵۳۰۰ ریال، گاز خودرو (CNG) هر متر مکعب به قیمت ۳۰۰۰ ریال! در بخش انرژی افزایش پله ای برق: پله اول از صفر تا ۱۰۰ کیلووات ساعت با قیمت ۲۷۰ ریال پله دوم از ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلووات ساعت با قیمت ۳۲۰ ریال، پله سوم از ۲۰۰ تا ۳۰۰

کیلووات ساعت با قیمت ۷۲۰ ریال، پله چهارم از ۳۰۰ تا ۴۰۰ کیلووات ساعت با قیمت هزار و ۳۰۰ ریال، پله پنجم از ۴۰۰ تا ۵۰۰ کیلووات با قیمت هزار و ۵۰۰ ریال، پله ششم از ۵۰۰ تا ۶۰۰ کیلووات ساعت با قیمت هزار و ۹۰۰ ریال و پله هفتم که مازاد بر ۶۰۰ کیلووات در ساعت تعیین شده، با قیمت دو هزار و صد ریال محاسبه می شود

بخش انرژی گاز خانگی

بر اساس اعلام مجریان طرح قیمت گاز خانگی دو و نیم تا ۵ برابر به ترتیبی که در زیر می آید، افزایش می یابد. بر این اساس قیمت گاز مشترکان دهکهای اول تا پنجم در بخش خانگی دو و نیم تا ۵ برابر می شود.

قیمت فروش گاز طبیعی به دهکهای اول و دوم جامعه مصرف حدود ۱۰۰ تا ۱۳۰ ریال به ازای هر متر مکعب بوده که این قیمت به ۳۰۰ ریال افزایش می یابد!

متوسط قیمت گاز دهکهای سوم تا پنجم مصرف حدود ۷۰۰ ریال به ازای هر متر مکعب

علاوه بر این قیمتها روز سه شنبه ۳۰ آذر شرکت ملی گاز رژیم اعلام کرد که قیمتهای جدید مصرف قیمت گاز خانگی در ۵ منطقه کشور بر اساس ۱۲ پله مصرفی تعیین شده است. بر اساس این تصمیمات قیمت گاز در ظاهر و به بهانه سردی و گرمی هوا گر زده و قیمتهای به مراتب چندین برابر به مردم این مناطق عرضه می شود. نتیجه طبیعی این امر چندین برابر شدن قیمت مصرف گاز خانگی در مناطق سردسیری باشد. این افزایش علاوه بر افزایش چندین برابری گاز خانگی می باشد که در بالا به آن اشاره شد. با احتساب این تقسیم بندی منطقه ای مردم مناطق سردسیر مجبور به پرداخت بیش از ۵ برابر قیمت اعلام شده برای گاز خانگی می شوند.

افزایش قیمت آب مصرف خانگی

به ازای مصرف تا ۵ متر مکعب قیمت آب معادل ۱۰۷ تومان ۵ تا ۱۰ متر مکعب ۱۳۰ تومان؛ ۱۰ تا ۱۵ متر مکعب ۱۴۲ تومان؛ ۱۵ تا ۲۰ متر مکعب ۱۶۵ تومان؛ ۲۰ تا ۲۵ متر مکعب ۱۹۲ تومان؛ ۲۵ تا ۳۰ متر مکعب ۲۳۲ تومان؛ ۳۰ تا ۳۵ متر مکعب ۲۹۴ تومان؛

تومان؛ ۳۵ تا ۴۰ متر مکعب ۳۶۸ تومان؛ ۴۰ تا ۵۰ متر مکعب ۴۷۰ تومان و برای بالاتر از ۵۰ متر مکعب نیز معادل ۸۵۰ تومان

افزایش قیمت نان مصرفی مردم

لواش قبلاً ۳۵ تومان جدید ۷۵ تومان، نان سنگک ۴۰۰ تومان، نان بربری قبلاً ۱۸۰ تومان قیمت جدید ۳۰۰ تومان و تافتون ۲۰۰ تومان

بر اساس این قیمتهای ارائه شده از طرف دولت و باندهای حکومتی درگیر در این مسئله و به اعتراف خود دولت و آمار و ارقامی که خودشان ارائه داده اند در مرحله اول اجرای این طرح، یعنی آزاد سازی قیمتها، قیمت همه کالاهای مصرفی مورد نیاز مردم بیش از ۳۴ درصد افزایش پیدا کرده است. این اعتراف خود حکومتیان است. اما واقعیت های اجرای طرح حذف یارانه ها و نتیجه طبیعی آن، یعنی افزایش لجام گسیخته قیمتها بسیار فاجعه بارتر و گسترده تر از این آمار و ارقام دولتی می باشد. در کنار این قیمتهای ظاهراً "رسمی و دولتی" اعلام شده از طرف دست اندرکاران طرح، قیمت های دیگری نیزچه وابسته و چه غیر وابسته به دولت، باندها و کارتل های بزرگ حکومتی در عرصه های مختلف اقتصاد و بازار و مصرف و خرید و فروش کالاها و خدمات عملاً پا به پای قیمتهای اعلام شده موجودیت داشته و عمل می کنند.

مافیای اقتصاد دولتی و رسمی، در کنار دهها باند و دار و دسته ها دخیل در اقتصاد بیمار و سیستم تولید و توزیع حکومتی در سایه این طرح دولت دستشان بیشتر از پیش برای تعیین روزانه و ساعتی افزایش قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز مردم باز و باز تر می شود. اگر تا تاریخ ۲۸ آذر به ظاهر و در قالب حمایت های دولتی، سوسیپدها و یارانه ها اجباراً به کالاهای مورد نیاز مردم از طرف دولت پرداخت می شد، تا زندگی بخور و نمیر و نان خالی را برای مردم تامین نمایند، با این سیاست آزاد

سازی قیمتها، دست بازار آزاد و واسطه ها و باندهای خارج از اقتصاد دولتی برای تعیین قیمت های بمراتب بالاتر از قیمت های دولتی، باز گذاشته شده و عرصه اقتصادیات حکومتی چه آزاد و چه دولتی اش یورش گسترده ای برای تحمیل فقر، گرانی و فلاکت بر کرده کارگر و مردم فقیرسازمان داده است. بی دلیل نیست که کل بورژواها و سرمایه داران فکلی کراواتی تا آخوندهای حجه نشین تا دولت و باندهای حکومتی همگی يك حرف را زده و از "ضرورت" حذف یارانه ها و آزاد سازی قیمتها بی شرمانه دفاع می کنند.

نتایج و تبعات این طرح عوارض بی سابقه ای در تمام گوشه و زوایای زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مردم خواهد داشت. اکثریت عظیم مردم ناچارند برای زنده ماندن بیشتر از ۱۴ ساعت کار کنند تا زنده بمانند. از تبعات دیگر این طرح بالا رفتن هزینه و قیمتهای خدمات، مدرسه و بیمه، بیمارستان، دوا و درمان و ادامه تحصیل، و... می باشد که به مرور آثارش بر زندگی اکثریت مردم نمایان می شود.

در يك كلام این طرح گرانی و تورم و در نتیجه فقر را کمر شکن تر از قبل خواهد کرد. اما هدف حکومت را که نجات اقتصاد ورشکسته و از هم گسسته اش میباشد بهیچ وجه برآورده نخواهد کرد. ما بارها گفته ایم که بحران اقتصادی این حکومت راه حل اقتصادی ندارد. و این طرح نیز حتی بنا به اعتراف خود دست اندرکاران و مجلسیان حکومت، گاهی از اقتصاد جمهوری اسلامی باز نخواهد کرد. بلکه جیب عده ای مفت خور را پرتر میکند. سفره های کارگران و مردم را خالی تر میکند. خشم و نفرت را افزونتر میسازد و به مردم تأکید میکند که حتی برای زنده ماندن باید هرچه زودتر کل این حکومت را به زیر بکشند و بساط این ماشین جنایت و دزدی و چپاول را برای همیشه جمع کنند. *

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

ما از شما میخواهیم که:

کمک کنید که انترناسیونال خوانندگان هرچه وسیعتری داشته باشد، انترناسیونال را وسیعاً تکثیر و توزیع کنید، به آدرسهای اینترنتی دوستانتان بفرستید، روی شبکه های ارتباطی اینترنت بگذارید، و برای انترناسیونال گزارش و خبر و مطلب بفرستید

منزلت، معیشت حق مسلم ماست

یاشار سهندی

را بسر میبرد که پمپ بنزینها به آتش کشیده شد و تظاهراتهای دهها هزار نفره با شعار مرگ بر حکومت راه افتاد. و این ظاهرا نشان میدهد که "شگردهای رونالدینیویسی احمدی نژاد" (عبارت سایت آینده) موثر واقع شده است و مردم "دریبل" خوردند و گلی تو دروازه مردم نشست است! به گزارش همین سایت در یزد اعتصابات در جریان است و یاز به گزارش همین سایت کارمندان مخابرات در پی کسر کردن شدید حقوق هایشان در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش مردم، در بندر عباس ماشین های سنگین از بارگیری خود داری کردند. با صحبت با مردم متوجه میشویم هجوم مردم برای برداشت پول واریز شده به اسم یارانه، بخشی ناشی از نگرانی است که دولت سر حرفش نماند و پول را بلوکه کند. بخشی دیگر به خاطر اینکه بیکار هستند و دست شان تنگ است و حسابشان را خالی کردند که عجالتا طلبی را نقد کرده باشند. به گزارش سایت آینده بخشی دیگر از ترس گران شدن اقلام غذایی، با این پول شروع کردند به خرید مایحتاج اصلی و ذخیره کردن آن. و بخشی وسیعی از مردم نیز از اعتصاب صحبت میکنند که تنها راه مقابله کردن با این وضعیت میدانند و عملا نیز در چند شهر از این تحركات دیده شده است. شاید در وهله اینگونه به نظر رسد اینها همه نشانه این است که برای بازاریان و سرمایه داران آرامش و غارت بیشتر مردم فراهم شده است، و اعتراضات کنونی هنوز ابعاد خطرناکی به خود نگرفته است. اما این ظاهر ماجرا است که آن را هم رسانه های بورژوازی دامن میزنند. رسانه ای مثل بی بی سی میگوید بالاخره این طرح تصویب شده و به شکل قانون در آمده است و باید اجرا شود!

تحولات اخیر بر متن انقلابی اتفاق افتاده که از ۲۲ خرداد سال ۸۸ شروع شد آن انقلاب خاموش نشده بلکه ادامه دارد هر چند دیگر به شکل تظاهرات خیابانی خودش را نشان نمی دهد. احمدی نژاد می خواهد از خود چهره قاطع نشان دهد که تا حرفش عملی نشود کوتاه نمی آید. او با رفتاری که با

"آیت الله مکارم شیرازی درباره اظهار نظر یکی از طلاب حاضر در جلسه مبنی بر اینکه شرایط کشور همواره خاص بوده و شما باید همیشه به تکلیف خود عمل کنید گفت: فعلا شرایط کشور اخص الخاص است و باید در کشور آرامش وجود داشته باشد." (سایت آینده) آن شرایط کشور که "اخص الخاص" شده و آیت الله را از "تکلیف الهی" باز داشته همانا اعلام قطع یارانه ها از سوی احمدی نژاد است و تهدید "فتنه" سیاسی و اقتصادی که حکومت امام زمان را تهدید میکند. اما تکلیفی که آیت الله از آن فعلا خود را بر حذر میدارد چیست؟ رئیس دفتر احمدی نژاد که نورچشمی او میباشد و یک موی او را به صد تا آیت الله هم عوض نمیکند یعنی اسفندیار رحیم مشایی، هفته گذشته یک بار دیگر رسماً و علناً به همه "آیات اعظام و علمای اعلام" توهین کرد و به ایشان گفت: "نفهم هستید که میگوید موسیقی حرام و مضر است". و این خون آیت الله ها را به جوش آورده است اما شرایط خاص یا بقل مکارم شیرازی "اخص الخاص" زبان حاج آقا را کوتاه کرده و گر نه میخواست به حرفهای بزند و تهدید هم کرده بود که پای هزینه آن ایستاده است!

اما ما در این نوشته قصد نداریم به حلال و حرام موسیقی بپردازیم و می خواهیم به حذف یارانه بپردازیم و عواقب آن برای حکومت اسلامی اشاره کنیم و نشان دهیم آن شرایط اخص الخاص که موجب نگرانی حاج آقا را فراهم کرده است نگرانی واقعی است که هر چه دولت و رسانه های تحت امرش سعی دارند از لگدپیرانی به یکدیگر خودداری کنند و شرایط را عادی نشان دهند و در روزنامه هایشان تیتر درشت بزنند "آرامش در بازار" (شما بخوانید در جامعه) برقرار است و یا در تحلیل های سایت های اینترنتی به هوش و فراست احمدی نژاد درود بفرستند که مردم را به مرگ گرفت تا به تب راضی شوند، اما واقعیت گویای چیز دیگری است. آشکارا حکومت در وحشت شورهای مردم مانند اعلام سهمیه بندی بنزین در سه سال پیش

زیردستانش (نمونه اخیر، متکی و بذر پاش) میکند از جمله می خواهد بگوید هر کاری خواهد میکند! و با قطع یارانه ها روی این روش رفتاری خود حساب باز کرده. اما عکس العمل مردم که فعلا در سطح محدودی در اعتصابات رانندگان ماشینهای سنگین و تاکسی ها بیشتر نمود یافته است و در سطح وسیعی به شکل بحثهای داغ جریان دارد، بی تردید در این سطح متوقف نخواهد شد. تجربه سال ۸۸ در پیش روی مردم است آن تجربه بیشتر از آنکه مردم را ترسانده باشد آنها را واداشته است اینبار ضربه اساسی را وادار کنند و نگذارند که این حکومت خودش را جمع و جور کند و بتواند سرکوب کند آنگونه که سال ۸۸ رفتار کرد. قطع یارانه ها به مردم نشان داد هیچ بخشی از بورژوازی خواستار رفاه و آرامش زندگی برای توده مردم نیستند. اینها یکصدا پشت این طرح ایستاده اند و روی وحشی گری (و نه مثلاً قاطعیت احمدی نژاد) حساب باز کرده اند تا شاید بتواند مردم را به تمکین بکشاند. انتقادات از این دست که "این دولت قادر نیست طرح به این خوبی (!) را اجرا کند" به مردم نشان داد که چه کسانی دوستان مردمند و دشمنانشان در چه شکل و شمایل هستند. اجرای این طرح کاملاً جامعه را قطعی کرده است؛ یک سو اقلیتی مفت خور که خواستار اجرای بی کم و کاست این طرح است که متضمن سیاه بختی مردم است، هستند و از سوی دیگر اکثریت مردم که چاره ای دیگر ندارند که یکبار برای همیشه به نظامی که اینگونه طرحها به ذهن کارشناسان آن میرسد تسویه حساب کنند. این طرح به مردم نشان داد که خشونت ذاتی نظام سرمایه داری نه تنها زندگی فردی افراد بلکه اساس زندگی اجتماعی را هدف گرفته است. این تجربه سخت، توده تهیدست را به آنجا کشانده که باور کرده اند که باید کاری کرد. این با ما کمونیستها است که این بار این فرصت تاریخی را غنیمت شمریم. امروز بیشتر از هر روزی جامعه کوشش باز است تا سخن کمونیستها را بشنود چون تنها نیرویی که به شدت مخالف این طرح است و نه تنها این بلکه می خواهد معیشت و منزلت برای همه به یکسان فراهم باشد کمونیستها هستند.

علیه فلاکت و رژیم اسلامی، ...

از صفحه ۱

ایران از بن بست و بحران خارج شود. اما مشکل اساسی اقتصاد در جمهوری اسلامی سوبسیدهایی که از ریش آیت الله های میلیاردر عبور میکرد و به برخی کالاهای اساسی تعلق میگرفت، نبود و نیست. مشکل اصلی اقتصاد در این "مملکت امام زمانی" نفس وجود خود حکومت اسلامی است که برای بقا خود چاره ای جز اتکا به اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی ندارد. حکومت بحرانزده، بهم ریخته و رسوا و افشا شده ای که در طرح های اقتصادیش هم راهی برای حل بحران سیاسی خود میجوید. چنانکه احمدی نژاد دیشب نیز اعلام کرد که طرح حذف یارانه ها و دمیدن بر آتش جهنم سوزان فقر در ایران قرار است مشت محکمی بر دهان دشمنان و دلیل دیگری باشد که آنها با "ایران اتمی" کنار بیایند و بجای "تقابل" به "تعامل" بپردازند.

اما سرنوشت حکومت اسلامی و بحران لاعلاج اش را نه مناسبات میان دولتها، بلکه مبارزات مردم ایران تعیین خواهد کرد. با اجرای طرح حذف یارانه ها جامعه ایران وارد جنگ سرنوشت با حکومت اسلامی میشود. جنگ میان حکومتی که تلاش میکند تا با

شعار "معیشت و منزلت حق مسلم ماست" اینروزها شعاری است که میتواند توده های مردم را حول آن سازمان داد و رهبری کرد. اگر شعار "صلح" برای بلشویکها فرصت تاریخی تصرف قدرت را فراهم آورد این شعار این روزها میتواند مردم را متشکل کند. بحث صرفاً بر سر سرنگون شدن دیکتاتور شخص خامنه ای نیست این شعار میتواند نشان دهد دیکتاتوری طبقه سرمایه دار آن دشمن اصلی توده مردم تهیدست است و با سرنگونی این طبقه به عنوان طبقه حاکمه راه

رهایی است. باید و میتوان با این شعار مردم را به تظاهرات خیابانی دعوت کرد. احتیاج نیست که ساعتها کار ترویجی کرد که نشان داد که سرمایه داری با زندگی مردم چکار میکند. بورژوازی با این طرح که به خانه خرابی بیشتر توده مردم منجر میشود چهره واقعی خود را عیانتر نشان داده است. کافی است به مردم نشان داد معیشت و منزلت در گرو اقدام عملی خودشان است. اقدامی سازمان یافته و متشکل و برای يك خواست روشن و شفاف؛ معیشت و منزلت برای همگان.*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

گره خوردن سرنوشت یارانه ها با "موجودیت" حکومت



هادی وقعی

بالاخره پس از ماهها امروز و فردا کردن در اعلام زمان اجرای طرح موسوم به هدفمند کردن یارانه ها، احمدی نژاد که قبلا گفته بود دولت برای جلوگیری از تبعات و سوء استفاده های احتمالی، زمان اجرای این طرح را اعلام نمی کند، در تلویزیون دولتی ایران ظاهر شد و به سیاقی همیشگی اش با سرهم کردن یکسری حرف های خنده دار و اراجیفی که حتی دور و بری های خودش را هم قانع نکرد، آغاز اجرای این طرح را اعلام نمود. احمدی نژاد از مردمی که بیشتر از سی سال است دارند صرفه جویی می کنند و از این طرفشان می زنند تا آن طرف بدبختی هایشان را پر کنند، خواست باز هم صرفه جویی کنند! او با هدف تحمیل و دلخوش کردن مردم از هشتاد هزار تومان ناچیزی گفت که قرار است در شرایط تحمیل چند برابر فقر و ناداری به مردم به حساب خانوارها واریز شود و از مردم خواست که ناگهان به بانک ها هجوم نیاورند و این پول را در وضعیت بی در و پیکر معیشتی شان، پس انداز کنند! او گفت این پول مال امام زمان است. پولی است که برکت دارد و مردم باید قدر آنرا بدانند! او البته طوری وانمود کرد که گویا مردم ایران باید تا "ده ها سال" قدر این حکومت دزد و آدمکش را بدانند و دم برنیاورند و حاکمین مذهبی هم به میلیارد میلیارد دلار بالا کشیدن پول مردم ادامه دهند. او گفت این طرح ده ها سال ادامه خواهد داشت و مردم عجله نکنند! مردم را به همکاری اسلامی فرا خواند و اینکه - سی و دو سال تحمل کرده اند - باز هم تحمل کنند و دم برنیاورند. گفت زندگی تাকوننی مردم باز و مرفه بوده و مردم باید خودشان را کنترل کنند. و اضافه کرد مردم باید - با حقوق ها و دستمزدهایی که شش ماه به شش ماه هم پرداخت نمی

شوند - با اصطلاح "مدیریت اقتصادی" کنند و بگذارند بچه ها هم مدیریت اقتصادی را یاد بگیرند! احمدی نژاد همچنین از زیبایی های زندگی گفت و اینکه مردم نباید به فکر خودشان باشند و باید دولت اسلامی را که هر روز از جانب امام زمان مدیریت می شود، در راه غارت و چپاولی که در پیش گرفته است، یاری کنند! احمدی نژاد مثل بسیاری دیگر از مقامات حکومت که نمی توانند ترس و وحشت خودشان را از فوران خشم مردم در پس اجرای این طرح مخفی کنند، دستپاچه و مداوم، همچون جنایتکاری که از چیزی وحشت زده است و تلاش می کند خود را خونسرد نشان دهد، از مردم می خواست عجله نکنند! آرام باشند و بگذارند کارها جلو بروند! او با این سخنان اجرایی شدن طرحی را اعلام نمود که هم از نظر حکومت و هم از منظر مردم به سرنوشت نظام اسلامی گره خورده است. به این دلیل که حکومت با این طرح آخرین محفظه های تنفس مردم را می بندد و آخرین ضربه های اقتصادی و معیشتی را به پیکر نحیف خانواده ها وارد می سازد. مسئله ای که بطور واقعی میتواند در شرایطی که حاکمیت روی آشفشانی از خشم و انزجار اجتماعی خوابیده است و کوهی از مطالبات اجتماعی بر درب خانه حکومتی انباشته اند که به هیچ عنوان توان پاسخگویی به آن مطالبات را ندارد، در عین حال، آخرین ضربه بر پیکره درهم ریخته جمهوری اسلامی باشد. به این دلیل که کل نظام و بخصوص دار و دسته احمدی نژاد، تداوم حاکمیت سرمایه داری مذهبی ایران را در گرو موفقیت این طرح ارزیابی می کنند تا شاید بتوانند خود را در اقتصاد بازار آزاد و مهارناپذیر سرمایه داری جهانی ادغام کنند. از امکاناتی که بنیادهای مالی جهان برای برون رفت از بحران ها در اختیار دولت ها قرار می دهند، بهره مند شوند و در نتیجه حاکمیت به پایان کار رسیده شان را چند صباحی بیشتر تداوم ببخشند.

رئیس جمهور اسلامی البته خیلی چرنیاد گفت، و همانگونه که انتظار میرفت، این واقعیات را درز گرفت که چگونه برای اجرای این طرح از مدتها قبل نقش و جایگاه ویژه ای

به نیروهای امنیتی و اطلاعاتی اختصاص داده شده و به اعتراف خود مقامات رژیم صدها ساعت جلسه با استانداری ها و فرمانداری ها و دادگستری استان ها برگزار شده و از تمام ادارات و وزارتخانه ها در این طرح درگیر شده اند و ۳۷ هزار مبلغ سازمان تبلیغات اسلامی "برای آماده سازی مردم" به نقاط مختلف کشور اعزام گشته اند! او اشاره نکرد که چگونه از مدتها قبل مانورهای امنیتی برای رویارویی با اعتراضات مردم ترتیب داده می شود و چگونه این جانیان می خواهند هم مردم را سرکوب کنند و هم ادعا نمایند که قصد دارند زندگی مردم را بهتر کنند. احمدی نژاد همچنین به اظهارات تهدید آمیز این روزهای مقامات و دست پرورده های اطلاعاتی و امنیتی رژیم هم اشاره نکرد و مثلا توضیح نداد که چرا "عزت الله یوسفیان" یکی از نمایندگان پر و پا قرص در مجلس، طرح هدفمند کردن یارانه ها را به "موجودیت نظام" گره خورده می داند و خواستار اعدام کسانی می شود که قصد "سوء استفاده" از نارضایتی ناشی از اجرای این طرح را دارند! اساس تمام این تصمیمات و اظهار نگرانی ها و تهدیدها، ترس از بالا آمدن دوباره آشفشانی از نفرت و انزجار اجتماعی از حکومت اسلامی است که در جامعه ریشه دوانده است. فقط حکومتی می تواند این چنین به سیم آخر بزند که تکلیف خود را در پیشگاه مردم روشن شده ببیند و آگاهانه دست به کار ترور، آدمکشی، بمب گذاری و تحمیل فقر و فلاکت به مردم شود. واقعیت آن است که این طرح به "موجودیت نظام اسلامی" گره خورده و در عین حال، پیشاپیش شکست خورده است. اولاً به این دلیل که نمی تواند راه برون رفتی برای خلاصی از بحران های اقتصادی به حاکمین ایران نشان دهد. بحران های اقتصادی رژیم اسلامی از بلو روی کار آمدنش تا کنون، لاعلاج اند. این بحرانها ناشی از خود موجودیت جمهوری اسلامی اند. با ویژگی های نظام اسلامی گره خورده اند و در یک کلام رژیم اسلامی همیشه از داشتن رابطه ای سالم و متعارف با تصمیم گیرندگان سرمایه داری جهانی محروم بوده است. و

در دفاع از پناهجویان افغانستانی ...

از صفحه ۱



تولید میکنند اما خودشان از ابتدایی ترین حقوق محروم هستند. سختترین کارها متعلق به اینهاست اما پایین ترین دستمزد را میگیرند. مجبورند خطرناکترین کارها را قبول کنند، اما از کوچکترین بیمه ای برخوردار نیستند. حکومت اسلامی، این جمعیت کارگری عظیم و آواره را با عنوان "غیرقانونی" به طعمه بیدفاع لاشخورهای میلیاردر اسلامی تبدیل کرده است. سرمایه داران مفتخور، برای بهره کشی از اینها مشکلی به نام "غیرقانونی" ندارند اما وقتی پای دستمزد و بیمه و حقوق به میان می آید، اینها غیر قانونی هستند. حکومتی که خودش فقط برای هزار فامیل میلیاردر اسلامی مشروع است، بخش عظیمی از نیروی کار آن جامعه را چون در افغانستان متولد شده اند غیرقانونی اعلام کرده است تا بتواند با کمترین مزد بیشترین بهره را از مشقت آنها بیرون بکشد. در این میان، وضعیت کودکان این پناهجویان غم انگیزترین وجه است. به هزار حبله و نیرنگ، این کودکان از تحصیل در کنار هم سن و سالهایشان که با آنها حتی زبان

شانیا، هدف و معنای "طرح اقتصادی" در جمهوری اسلامی کاملاً سیاسی است. وسیله ای است برای دزدی بیشتر و به تمکین کشاندن بیشتر و مرعوب کردن جامعه. مسئله ای که مردم ایران مدتهاست آن را پس زده اند. مردم ایران مرعوب نشده اند. دورانی که دست اندرکاران این حکومت می توانستند با دروغ و سیاه کاری و تهدید و مانور و سرکوب، "مدیریت اقتصادی" به مردم بیاموزند و آنها را به زندگی بخور و نمیر و بی بهره از حداقل های لازم برای یک زندگی انسانی و در خور شأن "عادت دهند" (یعنی مجبور کنند)، سپری

مشرکی دارند محروم شده اند. نگاه غم انگیز و حسرتبار این صدها هزار کودک به دفتر و کتاب و قلم، محرومیت آنها از تحصیل به این جرم که پدر و مادرشان از دست باندهای جنایتکار اسلامی در کشور هم مرز فرار کرده اند، برگ دیگری بر پرونده سنگین فاشیسم اسلامی است. این تمام تراژدی نیست. هر از گاهی، رسانه های مزدور دولتی و سر به دولت، تنور تبلیغات فاشیستی را داغ میکنند؛ این پناهجویان و آوارگان را مسبب جنایت و اعتیاد و قاچاق مواد مخدر - یعنی همان جرایمی که اتفاقاً زیر سر خود همین باندهای اسلامی حاکم در ایران است - معرفی میکنند و اخراج اجباری این قربانیان سازمان داده میشود که در چند سال گذشته بارها تکرار شده است. اخراج اجباری بیش از ۳۰ هزار زن و مرد و پیر و جوان و کودک افغانستانی و فرستادن آنها به کام برف و بوران و سرمای کشنده که به مرگ تعداد زیادی منجر شد فقط یک مورد بود که هیچ چیزی از فاشیسم و نازیسم کم ندارد.

ما کارگران، ما زنان و جوانان و دانشجویان، ما مردم متملن و پیشرو و آزادخواه و برابری طلب، باید با تمام قدرت و با صراحت تمام، از این هم سرنوشتیایمان در مقابل فاشیسم اسلامی دفاع کنیم.

توضیح: این متن کوتاه، پیاده شده صحت ۳ دقیقه ای برای تلویزیون کانال جدید است.

شده است. مردم و جوانان ایران بهترین های زندگی مدرن را می خواهند و این امکانپذیر است. کافی است میلیاردها میلیارد دلاری که احمدی نژاد و سایر مقامات این حکومت در طول این سی سال بالا کشیده اند و دزدیده اند و خرج بند و بساط تروریسم و حوزه های علمیه و آقاخانه ها و نیروهای سرکوشان کرده اند و میکنند، آزاد گردد. و راهش این است که جمهوری اسلامی سرنگون شود. هیچ راه دیگری جز سرنگونی حکومت اسلامی، مردم ایران را از بدبختی و فلاکتی بنام جمهوری اسلامی نجات نخواهد داد. *

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

درباره عملیات انتحاری در سوئد و راه مقابله با تروریسم اسلامی

نامه سرگشاده به نخست وزیر، هیئت دولت و نمایندگان پارلمان سوئد!

درباره عملیات انتحاری در سوئد و راه مقابله با تروریسم اسلامی نامه سرگشاده به نخست وزیر، هیئت دولت و نمایندگان پارلمان سوئد!

بازهم جریان‌ات تروریستی اسلامی وحشت آفرینند. عملیات تروریستی شنبه یازدهم دسامبر در مرکز شهر استکهلم بحق نفرت عمومی به این اقدام را برانگیخته است. آنچه که برای مردم بی‌دفاع سؤال برانگیز است این است که چرا آنان مورد حمله قرار می‌گیرند؟! ریشه این عملیات کور تروریستی در کجاست؟! چگونه باید از شر این تحرکات وحشیانه در امان بود. مردم انتظار دارند سیاستهای شفاف و رسمی دولت سوئد درمقابل با تروریسم اسلامی را بدانند.

بعد از عملیات تروریستی لندن و مادرید و تهدید مکرر برای انجام عملیات در کشورهای اروپایی، بالاخره نوبت به استکهلم رسید. این حادثه بدون شک تاثیرات مخرب و دراز مدتی بر جامعه سوئد خواهد داشت. نگرانی دائمی از خطر بروز یک اقدام تروریستی دیگر برفراز جامعه قرار دارد. از سوی دیگر آزادیهای آحاد افراد جامعه با اعمال محدودیتهای پلیسی و امنیتی مورد تهدید قرار می‌گیرد. همچنین زندگی هزاران مهاجر و پناهنده ساکن سوئد نیز می‌تواند دستخوش دگرگونیهای منفی شود. هم اکنون این عملیات تروریستی به مستمسکی برای حملات بیشتر به خارجیان از سوی جریان‌ات نژادپرست تبدیل شده است و این می‌تواند به نوبه خود عواقب فاجعه آمیزتری به همراه داشته باشد.

ما بر این باوریم که:

۱- تروریسم در هر شکلی، دولتی و غیر دولتی محکوم و عملی ضد بشری است! برای اسلام سیاسی، ترور و ایحاد رعب و وحشت یک اسلحه مهم و اساسی برای مطرح شدن بعنوان یک آلترناتیو سیاسی - اجتماعی است.

۲- اسلام سیاسی در اساس خود با هر گونه تمدن، آزادیخواهی و موازین جامعه مدرن ضدیت دارد و به

آزادیهای فردی، مدنی و سکولاریسم در کشورهای غربی بعنوان یک مانع جدی گسترش خود می‌نگرد و برای از میان برداشتن این سد، به هر تقلای دست می‌زند! بهانه قرار دادن کاریکاتورهای محمد برای کشتن مردم بی‌دفاع، نمونه بارزی از آزادی ستیزی و انسان ستیزی این جریان‌ات است.

۳- حکومتیهایی مانند جمهوری اسلامی و شرکای خاورمیانه ای اش که تروریسم بخش جدایی ناپذیر سیاستهای داخلی و خارجی آنهاست، منبع اصلی تامین زرادخانه تروریسم اسلامی و صدور اسلام سیاسی در جهان هستند!

۴- سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران بزرگترین مرکز جاسوسی و تروریستی در سوئد، آزادانه و با چشم پوشی آگاهانه دولت سوئد، مشغول اجرای انواع طرحها و فعالیتهای جاسوسی و تروریستی در اروپاست و کشور سوئد را به بهشت تروریسم اسلامی بدل کرده است. موارد متعددی از طرحهای تروریستی و جاسوسی جمهوری اسلامی در سوئد توسط دولت شناخته شده است اما متأسفانه دولت سوئد با سکوت و مماشات با آنها برخورد کرده است.

۵- سازش دول غربی و از جمله دولت سوئد با اسلام سیاسی که تحت عنوان سیاست شکست خورده تقویت جریانات اسلامی میانه رو در مقابل تندروها توجیه می‌شود باعث شده است که کل اسلام سیاسی در این کشورها از این سیاست بنبغ پیشروی خود استفاده کنند و طبیعتاً تروریستهای اسلامی در محیط بمراتب مساعدتری اقدامات ضد انسانی خود را دنبال کنند. مراکز رسمی جریانات اسلامی در اروپا عملاً به محل سربازگیری جریانات تروریستی بدل شده است. همچنین مدارس اسلامی که کودکان را با حس نفرت به هموعان غیر مسلمان پرورش می‌دهند بعنوان یکی از عوامل مهم در بازتولید تروریستهای آتی عمل می‌کنند. باز گذاشتن دست امامان اسلامی در گتوها و نیز محیط های اسلامی در اعمال

۴- ممنوعیت مدارس مذهبی و تاکید بر سکولار بودن آموزش و پرورش!

۵- کنترل دفاتر مالی سازمانهای اسلامی و نحوه تامین بودجه آنان!

عبداله اسدی؛ فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
0737178819

مهرین علیپور، سازمان علیه تبعیض - استکهلم
0707777313

افسانه وحدت؛ نهاد اکس مسلم، واحد سوئد
0702468454

کریم شامحمدی؛ نهاد کودکان - استکهلم
0708526716

مرجان واعظ؛ فعال اجتماعی - استکهلم
0704433678

فریده آرمان، کمیته دفاع از حقوق

بی حقوقی بویژه به زنان و کودکان درپچه ای شده است که جریانات اسلامی خواهان اجرای قوانین شریعه اسلامی در اروپا شوند. امری که به نوبه خود موجب تقویت اسلام سیاسی میشود.

۶- چنین اوضاعی جریانات راست و نژادپرست در پی این هستند که از آب گل آلود ماهی بگیرند و جو جامعه را علیه خارجی تباران و افراد گریخته از کشورهای اسلام زده تحریک کنند.

با اجرای عملیات تروریستی در مرکز شهر استکهلم، دیگر بخوبی مشخص شده است که راه مبارزه با تروریسم اسلامی و در امان ماندن از تهدیدات تروریستی، باج و خراج دادن به آنها نیست! سیاستی که ساهاست دولت سوئد در پیش گرفته است. برای دفاع از منافع آحاد جامعه در مقابل عملیات تروریستی باید دامنه نفوذ و امکانات این جریانات را خشکاند. اگر دولت سوئد و احزاب پارلمانی واقعا می‌خواهد این کشور از شر تروریسم اسلامی در امان بماند باید از جمله سیاستهای زیر را عملی سازد:

۱- پایان دادن به مماشات با حکومت های اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران و پایان دادن به حمایت از مساجد و امامان و پروژه های تبلیغاتی آنان. دولت سوئد حق ندارد از مالیات مردم سوئد امکانات مالی و رسانه ای در اختیار این جریانات قرار دهد. در عوض دفاع از مبارزات مردم آزادیخواه و به تنگ آمده از حکومت های اسلامی تروریستی در جهان و تقویت جنبشهای سکولار و آزادیخواه در این کشورها، عملاً به دامنه نفوذ اسلام سیاسی در سطح بین المللی خاتمه میدهد.

۲- دفاع از موازین و استانداردهای سکولار جامعه در مقابل هرگونه تعنی مذهب و اسلامیون و اعمال قوانین واحد جهانشمول انسان برای همه شهروندان جامعه صرفنظر از هر عقیده و باوری!

۳- دفاع بی قید و شرط از آزادی بیان و بویژه آزادی نقد مذهب!

زنان - مالمو
3638088-070

سوسن صابری، مدیر رادیو همبستگی - گوتنبرگ
8544529-070

محمد امیری، کمیته بین المللی علیه اعدام - استکهلم
0737801510

احمد فاطمی؛ ائتلاف جهانی برای حقوق پناهندگان ایرانی
5203817-073

غریبه حسینی؛ فعال دفاع از حقوق زنان - هلسینبورگ
اسمعیل مردوخ؛ فعال اجتماعی - بروس

0761537679
کیما پازوکی؛ فعال اجتماعی - استکهلم
7346930-070

حسن صالحی؛ فعال سیاسی - مالمو
0703171102

سیامک بهاری؛ فعال سیاسی - استکهلم
0739868051

زندگی انسانی حق مسلم ماست... از صفحه ۱

مان یعنی جامعه ای آزاد و مرفه و برابر تداوم بخشیم. جامعه ای که انسان و پاسخگویی به نیازهای همه انسانها اساس آنست. جامعه ای که در آن مسکن و غذا و پوشاک و درمان و تحصیل با استاندارد قرن بیست و یکم حق تک تک شهروندان است. جامعه ای که در آن آزادی بی قید و شرط است، اندیشیدن بی قید و شرط است، ستم و استثمار و تبعیض علیه شهروندان ممنوع است. با گامهایی محکم و عزم و اراده ای آهنین به پیش میرویم. آینده از آن ما مردم است.

زنده باد انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ اکتبر ۲۰۱۰ - ۵ آبان ۱۳۸۹

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

اساس سوسیالیسم انسان است!

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالاتی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبید گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

حمایت از خواسته های خود به میدان آورند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ آذر ۱۳۸۹، ۲۱ دسامبر ۲۰۱۰

جانیته کارانه بین جمهوری اسلامی و "جندالله" بر زندگی مردم محروم و محنت زده بلوچستان سایه افکنده است یکبار دیگر تاکید میکنند که مذهب و قومیت باید تماما از دولت کنار گذاشته شود. تنها یک حکومت غیر قومی و غیر مذهبی که متکی بر اعمال اراده مستقیم شهروندان آزاد و متساوی الحقوق است میتواند به ستم ملی و مذهبی و به کابوس اسلام سیاسی و تروریسم اش پایان دهد. سرنگون باد جمهوری اسلامی نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ آذر ۱۳۸۹، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۰

از صفحه ۱**اعدام جانیته کارانه یازده نفر ...**

ما اعدام سبعانه یازده زندانی در زاهدان توسط جمهوری اسلامی را بشدت محکوم میکنیم. این جنایتی در خدمت تداوم دادن و دامن زدن به نفرت قومی و مذهبی و تروریسم اسلامی در این منطقه چه از سوی جمهوری اسلامی و چه از سوی "جندالله" و در جهت به تباهی کشیدن بیشتر زندگی مردم است. مردم بلوچستان مانند مردم سراسر ایران راهی ندارند جز اینکه برای سرنگونی جمهوری اسلامی به نیروی خود و گرفتن اختیار زندگی بدست خود متحد و متشکل شوند. جنایاتی که این روزها در کشاکش تروریستی و

حمله قرار داد و دهها نفر را کشت و مجروح کرد. جریانی که همچون جمهوری اسلامی یک جریان تروریستی اسلامی است و اساسا از جنایات و ستم های ملی و مذهبی جمهوری اسلامی بر مردم ساکن بلوچستان و فقر و فلاکتی که در منطقه برقرار است سربازگیری میکند. اما هیچ درجه جنایت و سببیت نمی تواند نفس اعدام یا "قتل عمد دولتی" را توجیه کند. جمهوری اسلامی با اعدام و قتل عام زندانیان زاده شد. دیروز هم یکبار دیگر این جنایتکاری را در شهر زاهدان به نمایش گذاشت.

تجمع اعتراضی کارگران خدمات پالایشگاه آبادان و کارگران سایا

کارگران خدمات پالایشگاه در میتینگ اعتراضی خود فریاد میزدند که با حذف یارانه ها قیمتها سرسام آور افزایش خواهد یافت و تورم زندگی آنان را از هم خواهد پاشید. چطور می توان با دستمزد حدود سیصد هزار تومان حداقل معیشت خود و خانواده را تامین کرد! قیمتها افزایش می یابد و مزایای ما کسر میشود! اگر این دشمنی با کارگران نیست پس چیست! چگونه است که مسئولان پالایشگاه حقوق و پاداشهای گزاف دریافت میکنند اما نوبت به کارگران که میرسد از دریافت همان حقوق و دستمزدهای ناچیزی که خود دولت تعیین کرده است هم محروم میشوند!

کارگران خدماتی شرکت سایا در یازده ماه است حق بیمه دریافت نکرده اند!

صبح دوشنبه ۲۹ آذر ماه ۱۲۰ نفر از کارگران خدماتی شرکت سایا در اعتراض به عدم پرداخت حق بیمه

صبح دوشنبه بیست و نهم آذرماه، نزدیک به دویست نفر از کارگران بخش خدمات پالایشگاه آبادان در اعتراض به کاهش مبلغ عیدی و پاداش و مزایای آخر سال در پالایشگاه آبادان دست به دو تجمع اعتراضی زدند. کارگران خشمگین که مداوما از سوی مأموران حراست مورد تهدید و خشونت قرار می گرفتند یکصدا خواستار رسیدگی به مطالبات به حق خود بودند.

اخبار رسیده از پالایشگاه آبادان حاکی از آن است که تجمع اعتراضی کارگران مورد هجوم مزدوران حراست قرار گرفت که با ایجاد فضای رعب و وحشت و تهدید به دستگیری مانع ادامه تجمع اعتراضی کارگران شدند. مدیریت شرکت خدمات پالایشگاه و کارفرمای مربوطه با تهدید کارگران برای تسلیم کردن آنان به شرایط جدید اعلام کردند در صورتی که کارگران میزان پرداختی های جدید را نپذیرند، حدود هفتاد نفر را از کار اخراج خواهند کرد.

تلويزيون کانال جديد را تماشا کنید به دوستان خود معرفی کنید، به آن کمک مالی کنید!

هر شب از ۱۰ و نیم تا ۱۲ و نیم ایران، هات برد، شبکه KBC فرکانس ۱۱۲۰۰، سیمبل ریت ۲۷۵۰۰، عمودی، اف ای سی ۵/۶، در برنامه های پخش مستقیم شرکت کنید: میتونید در برنامه های پخش مستقیم با شما ره تلفن ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷ شرکت و

سازمانگري و انقلاب عليه نظام كثيف سرمايه دارى اسلامى است. كانال جديد مدافع پر و پا قرص سوسياليسم يعنى آزاديخواهى، عدالت، برابرى و يك زندگى انساني است. اين كانال شما مردم است، به هر شكل كه ميتوانيد مشخصات آنرا به ديگران اطلاع دهيد:

كانال جديد صدای مردمی است که می خواهند از این زندگی سیاه و فلاکتبار خلاص شوند.. کانال جدید صدای مبارزه برای سرنگونی حکومت دزدان میلیاردر و آدمکشان حرفه ای است. کانال جدید، ابزار کارگران، زنان، جوانان و همه مردم محروم برای متحد شدن، متشکل شدن و



زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

زنده باد سوسیالیسم

اظهار نظر کنید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷
www.newchannel.tv,
nctv.tamas@gmail.com

به کانال خود کمک مالی کنید. با ما تماس بگیرید تا شما را برای ارسال کمک مالی راهنمایی کنیم. اما اگر دوست و آشنایی در خارج کشور دارید ساده ترین راه، ارسال کمک از طریق آنها است.

مرگ بر حکومت نکبت اسلامی

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

اطلاعیه ۷۴:

جنایان اسلامی رضا شهابی را برای محاکمه به دادگاه انتقال دادند

رضا شهابی به اعتصاب غذای خود خاتمه داد



شفیعی وکیل پرونده، جلسه دادگاه به آینده نزدیک موکول شد و برای آقای شفییعی نامه ای صادر شد که با مراجعه به زندان امکان امضای وکالت نامه مهیا شود. بدین ترتیب در ساعت ده و نیم صبح این روز رضا شهابی به همراه چند متهم دیگر به زندان اوین منتقل شد.

بنا بر همین گزارش در ساعت ۷ صبح روز ۲۸ آذر رضا شهابی در تماس با منزل خبر داد که به خواست اعضای سندیکای شرکت واحد

بنا به خبر منتشر شده از سوی سندیکای کارگران شرکت واحد، رضا شهابی عضو هیات مدیره این سندیکا که از ۲۲ خرداد تا کنون در زندانی جمهوری اسلامی به سر میبرد، روز ۲۸ آذر به دادگاه انتقال داده شد. در این روز سید مسعود شفییعی وکیل رضا شهابی که از ساعت ۸ صبح در دادگاه حاضر بود، قرار شد ساعت ۱۰ صبح برای محاکمه رضا شهابی حضور پیدا کند. سرانجام با حضور مسعود

زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک هم اکنون در زنداند. کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی هم اکنون ابعاد گسترده ای پیدا کرده است، ما همگان را به

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهلا دانشفر shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968

bahram.soroush@gmail.com
0044-7852 338334

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

جمهوری اسلامی بار دیگر محکوم شد

بهروز مهرآبادی

فاصله زیادی دارد. این قطعنامه به موارد مختلف نقض حقوق بشر از جمله به سنگسار، قطع عضو، اعدام نوجوانان، زن آزاری، سرکوب تظاهرات ها و بازداشت های دسته جمعی، حمله به احزاب و تشکل ها و سانسور و اختناق اشاره می کند و از جمهوری اسلامی می خواهد که به نقض حقوق بشر خاتمه دهد. مجمع عمومی به این وسیله رژیم را به رسمیت می شناسد امری که در تضاد آشکار با خواست مردم ایران و افکار عمومی مردم جهان است. این قطعنامه مخالفتی با عمل وحشیانه اعدام ندارد بلکه فقط به اجرای علنی اعدام ها و اعدام نوجوانان اعتراض می کند. سازمان ملل به فقر و فلاکتی که جمهوری اسلامی به مردم تحمیل کرده و غارت و چپاول گسترده باندهای مافیائی حکومتی اعتراض و مخالفتی ندارد. استثمار و محروم ساختن میلیونها کودک و پیر و جوان از مایحتاج زندگی و حداقل تامین اجتماعی نقض حقوق بشر شمرده نمی شود.

محکوم کردن جمهوری اسلامی در مجمع عمومی سازمان ملل بدون شک نتیجه جنبش انقلابی گسترده دو ساله اخیر در ایران، اعتراضات تشکل ها و فعالین کارگری و مدافعین حقوق بشر در ایران و کمپین های بزرگی است که بر علیه جنایات جمهوری اسلامی در جهان جریان داشته است. کمپین قدرتمند نجات جان سکینه، افشای گسترده و

قطعنامه نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی روز سه شنبه ۳۰ آذر در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد. پیشنویس این قطعنامه توسط نماینده دولت کانادا به کمیته سوم سازمان ملل ارائه شده و یک ماه قبل به تصویب رسید. تصویب این قطعنامه با ۷۸ رای موافق، ۴۵ مخالف و ۵۹ ممتنع قطعی شد. در ماه گذشته و در هنگام بررسی پیشنویس این قطعنامه محمد لاریجانی را حکومت اسلامی به نیویورک فرستاد تا مانع تصویب این قطعنامه شود ولی تلاشهای وی در توجیه جنایات حکومت اثری نبخشید.

بعد از ۲۳ سال جنایت، بیش از صد هزار اعدام، دهها مورد سنگسار و قطع عضو، شکنجه و زندانی کردن زندانیان سیاسی، زن ستیزی سیستماتیک و از بین بردن هر گونه آزادی سیاسی در سال ۱۳۸۲ برای اولین بار مجمع عمومی سازمان ملل جمهوری اسلامی را بخاطر نقض حقوق بشر محکوم نمود و روز سه شنبه برای هشتمین بار پیایی این عمل تکرار شد. هر چند لحن این قطعنامه ها نسبت به جمهوری اسلامی هر سال از سال قبل تندتر شده است، اما هنوز با واقعیتی که مردم ایران از نزدیک شاهد آن هستند و با آنچه که اسناد آن بویژه در دو سال اخیر در دنیا منتشر شده است،

انعکاس جهانی جنایاتی نظیر اعدام فرزند کمانگر و شهلا جاهد، انتشار اسناد و مدارک در مورد زندان ها و شکنجه گاههای متعدد رژیم و کمپین های بزرگ برای آزادی زندانی سیاسی مردم جهان را بر علیه جمهوری اسلامی بسیج کرده است و با وجود بند و بست ها و منافع سیاسی اقتصادی، دولتهای بسیاری را ناچار به محکوم ساختن این رژیم کرده است و رژیم بیش از هر زمانی منزوی شده است. این یک موفقیت برای مردم ایران است و می تواند محدود کند اما مضمون این قطعنامه و اینکه هنوز دولتهای زیادی از محکوم کردن این جنایات خودداری می کنند، نشان می دهد که سطح خواسته ها و توقعات مردم ایران بسیار بالاتر از اینگونه قطعنامه ها است. مردم ایران در پیشبرد مبارزات خود برای بدست آوردن آزادی و برابری و ساختن یک جامعه انسانی به چنین قطعنامه هایی اکتفا نمی کنند. کمپین جهانی سکینه و خشم و نفرت جهانی علیه جمهوری اسلامی، طلایه های این را نشان میدهد که میتوان با حمایت و قدرت مردم شریف جهان کاری کرد که جمهوری اسلامی نه فقط در قطعنامه ها محکوم شود، بلکه عملاً همچون رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی و حتی منفورتر و منزوی تر از آن، از تمام نهادهای بین المللی بیرون انداخته شود. این امری کاملاً امکان پذیر است.*



ابراهیم مددی



منصور اسانلو



غلامرضا غلامحسینی



رضا شهابی



بهنام ابراهیم زاده

مرتضی کمسری

علی اکبر نظری

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

گزارشات کوتاهی از اعتراضات مردم بدنال حذف یارانه ها مردم همه جا خشمگین اند

بلافاصله پس از شروع حذف یارانه ها، فضائی از التهاب و خشم و اعتراض، سراسر کشور را فراگرفته است. مردم همه جا عصبانی هستند و به سران رژیم بد و بیراه میگویند. در اتوبوس و صف بانک تا پمپ بنزین ها مردم بشدت عصبانی هستند. در روزهای اخیر در کانال جدید نیز مردم از نقاط مختلف کشور روی خط آمده و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و دست زدن به اعتصاب عمومی شده اند. حتی در صف های درازی که مقابل بانکها برای دریافت کمک نقدی ایجاد شده است، عصبانیت در میان مردم موج میزند.

قیمت کالاهای اساسی بعضا چندین برابر شده است. قیمت نان دو تا سه برابر شده، بنزین و گازوئیل بشدت افزایش یافته، کرایه تاکسی و اتوبوس و حمل بار نیز در حال افزایش است.

جمهوری اسلامی که میداند هر لحظه ممکن است آتش خشم مردم، به تظاهرات تبدیل شود، سراسر کشور را بشدت نظامی کرده است. اوباشان حکومت در میدانها و اطراف پمپ بنزین ها و نقاط حساس مستقر شده اند تا مانع شکل گیری تجمعات اعتراضی شوند. ۲۷۰۰۰ آخوند به نقاط مختلف کشور اعزام

شده اند تا همراه با اوباش خود مانع اعتراض مردم شوند.

رانندگان کامیون ها و تاکسی ها از جمله اقشاری هستند که بلافاصله دست به اعتراض زدند. در شهرهای مختلف از جمله تهران، اصفهان، همدان، قم، بندرعباس و در شمال و جنوب کشور دست به اعتصاب و تجمعات اعتراضی زده اند. آنها خواهان تجدید نظر در قیمت سوخت و یا افزایش کرایه مسافر و بار شده اند.

در اینجا چند گزارش به اطلاعاتان میرسد:

یکی از خبرنگاران حزب کمونیست کارگری از شمال ایران میگوید:

با اجرای طرح حذف سوسیسدها قیمت هر لیتر گازوئیل از شانزده تومان به صد و پنجاه تومان و قیمت هر لیتر بنزین کارتی از صد تومان برای تاکسی ها با سهمیه ماهی سیصد لیتر و شخصی برای صد لیتر، به چهارصد تومان رسیده است. قیمت بنزین بدون کارت، نامحدود، به لیتری به هفتصد تومان رسیده است.

قیمت نان در یکی از شهرستانهای گیلان:

نان لواش عددی از ۳۰ تومان به ۱۰۰ تومان
نان بسته ای بسته ای از ۳۰۰ تومان به ۵۰۰ تومان
بربری از ۷۰ تومان به ۲۵۰ تومان
در تمام روز بانکها بشدت شلوغ است و صف های طولانی تا اتمام وقت اداری ادامه دارد. بعضی از بانکها اعلام کردند پول تمام شده است و فضای روانی و ناامنی جامعه را فرا گرفته است. در همه جا مردم با خشم و اعتراض علیه رژیم صحبت میکنند.

ساری و نکا، اول دیماه:

طبق گزارش يك خبرنگار حزب، رانندگان تاکسی در ساری و نکا دست به اعتصاب زدند. در ساری در پی اعتصاب و تجمع اعتراضی رانندگان تاکسی، نیروهای سرکوب دفرچه های آنها را پاره کردند. رانندگان نیز تاکسی ها را رها کرده و متفرق شدند. در شهر نکا نیز تاکسی رانان دست به اعتصاب زدند که شش ساعت به طول انجامید. با قول مسئولین برای افزایش کرایه، اعتصاب پایان یافت.

تهران، ۲۹ آذرماه:

گزارش يك راننده کامیون به کانال جدید: امروز تعدادی از رانندگان در نقطه ای جمع شدیم تا در مورد اعتصاب صحبت کنیم. لباس شخصی ها شماره پلاک ها را

یادداشت کردند و ما مجبور به ترك محل شدیم. طبق این گزارش تعدادی از رانندگان، کامیون های خود را خوابانده اند و دولت نیز برای جلوگیری از گسترش اعتصاب کامیوندان، بلافاصله هشتصد لیتر سوخت سهمیه ای به آنها داده است. طبق گزارشات، در قم، اصفهان و همدان رانندگان تاکسی، در بندرعباس کامیوندان و در قشم ناخداهای اتوبوس های دریائی دست به اعتصاب و یا تجمعات اعتراضی زدند و خواهان تجدید نظر در قیمت بنزین و گازوئیل شدند. صاحبان گلخانه های یزد نیز دست به تجمع زدند تا اعتراض خود را به گران شدن سوخت گازوئیل گلخانه ها اعلام کنند. برای جلوگیری از شلوغی بیشتر، نیروهای پلیس مسیر بلوار دانشجو را بستند. طبق این گزارش، تعداد زیادی از وانت های حامل نیروهای سرکوبگر زره پوش آمده حمله به جمعیت معترض بودند.

دانشجویان خواجه نصیر:

روز ۳۰ آذر جمعی از دانشجویان خواجه نصیر، در اعتراض به حذف یارانه ها، دست به حرکتی اعتراضی زدند. دانشجویان ابتدا با پخش تراکت با عنوان "دانشجو میمیرد، ذلت نمی پذیرد" و سپس با قاشق زنی در سلف دانشگاه واکنش خود را نشان دادند. نیروهای حراست مانع از

شکل گیری تجمع شدند. دانشجویان در تراکتی که پخش کرده اند نوشته اند:

پیرو اجرای این طرح و ایجاد فضای رعب و وحشت با یورش نیروهای امنیتی به خیابان های تهران، ما دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر به عنوان بخشی از مردم اعتراض خود را فریاد میزنیم تا بار دیگر به حاکمیت بفهمانیم: "دانشگاه زنده است." و در مقابل این چنین سیاست های ضد مردمی می ایستد.

معلمان، جزیره کیش:

گفته میشود که معلمان جزیره کیش نیز در اعتراض به حذف یارانه ها دست به اعتصاب زده اند.

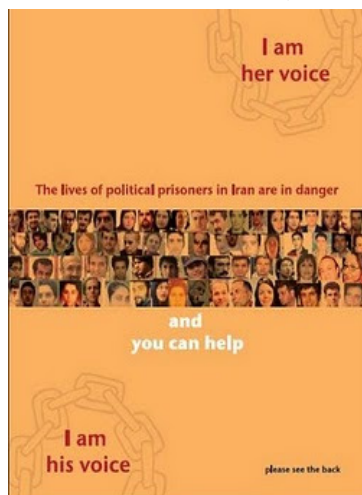
درگیری در محلات تهران:

طبق گزارشات متعدد، در برخی شهرها میان مردم و نیروهای سرکوب رژیم درگیری هائی روی داده است. در آریاشهر تهران به گزارش یکی از خبرنگاران حزب میان جوانان و سرکوبگران درگیری شد. در محله اتابک تهران نیز گفته میشود ماموران سرکوب مورد حمله جوانان قرار گرفته، خودروی آنان به آتش کشیده شده و ماموران آن نیز توسط جوانان خلع سلاح شده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱ دیماه ۱۳۸۹، ۲۲ دسامبر ۲۰۱۰

را در مقابل خو ببینند بطور قطع جرات نخواهد کرد به همکاران و رهبران کارگری و فعالین اجتماعی دست درازی کند. با مبارزه متحد باید برای گشودن در زندانها و آزادی همه اسیران در بند و سرنگونی رژیم شکنجه و زندان قدم برداریم.*

کارت پستال کارزار "من صدای او هستم"



ها را بخود جلب کرد. شما می توانید با نوشتن نام زندانیان سیاسی بر در و دیوار شهر به صدای آنها تبدیل شوید. شما می توانید عکس کارگران زندانی و زندانیان سیاسی را در همه جا پخش کنید و صدای آنها را منعکس کنید. محصلین در مدارس می توانند بر روی تخته سیاه مدارس بنویسند که "ما خواهان آزادی زندانیان سیاسی هستیم!" کارگران می توانند در فرصت استراحت و غذا در محیط کار هر بار در مورد يك کارگر زندانی حرف بزنند و خواهان آزادی آن شوند. و فراتر از این می توان مجمع عمومی تشکیل داد و برای آزادی کارگران زندانی قطعنامه ای را صادر کرد.

در این راه ابتکارات بسیاری را می توان بکار گرفت. مهم این است که امر دفاع از کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی را امر خود بدانیم و

صدای کارگران زندانی و ...

کرد و حتی کسی در جهان از آن با خبر نمی شد. اما اکنون خبر بازداشت هر فعال کارگری و آزادیخواهی در ایران در دنیا به سرعت پخش می شود و موجی از حمایت و پشتیبانی از این عزیزان را بهمراه می آورد. در يك کارزار جهانی به اسم "من صدای او هستم" بسیاری از مردم شریف جهان مشتاقانه می خواهند که صدای رضا شهابی ها، منصور اسانلوها و نسرین ستوده ها باشند تا اجازه دهند جمهوری اسلامی صدای زندانیان سیاسی را در پس حصارهای بلند زندان خاموش کند. و این چه غرور انگیز است زمانی که شهروندان انگلیسی، سوئدی، آلمانی، نروژی، کانادایی، آمریکایی و ژاپنی و غیره به اسم اسیران ما از آزادی و آزادی زندانیان سیاسی در ایران دفاع می

کنند.

این کارزار می تواند در ایران نیز جلوه های شوکومندی در همبستگی با کارگران و زندانیان سیاسی بیافریند و زمینه آزادی آنها را فراهم سازد به شرط اینکه شما هم بخواهید صدای يك زندانی سیاسی باشید! شما می توانید به اشکال مختلف صدای زندانیان سیاسی باشد. در اروپا رسم بر این است که مردم برای ابراز حمایت از کسی تی شرتی با عکس آن فرد به تن می کنند. شما هم می توانید ۳۰ الی ۴۰ نفری شوید و مثلاً تی شرتی با عکس رضا شهابی را به تن کنید و بنویسید که شما صدای رضا شهابی کارگر زندانی شرکت واحد هستید. با همین تی شرت بدون آنکه لازم باشد کار اضافی دیگری کرد می شود برای دقایقی در خیابان به راه افتاد و توجه

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

هفته ای پر شور در حمایت از کارگران زندانی در ایران



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

نروژ، نهاد "کارگران آمریکا علیه جنگ"، جمعی از فعالین اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا، کمیته همبستگی بین المللی اتحادیه کارگران خدمات عمومی انتاریو، کانادا، لوکال اتحادیه CAW333 رانندگان اتوبوسهای شهری در ویکتوریا، استان بریتیش کلمبیای کانادا، ناماچ چند رهبر اتحادیه های کارگری به روزنامه تایمز لندن، کنگره اتحادیه های کارگری انگلیس TUC، فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (ITF)، عفو بین الملل در کشور اتریش، نامه های اعتراضی ای در محکومیت این دستگیرها و فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری در ایران و با خواست آزادی فوری رضا شهابی و کارگران زندانی از زندان، به مقامات جمهوری اسلامی ارسال شده است. در این رابطه عفو بین الملل با گذاشتن طوماری اعتراضی بر روی سایت خود کمپین اعتراضی را در دستور خود گذاشته است و تعدادی از رهبران کارگری در اقدامی جالب طی نامه ای سرگشاده که در روزنامه تایمز لندن منتشر شده است، اعتراض خود را به دستگیری کارگران زندانی در ایران اعلام داشته و خواهان آزادی آنها از زندان شدند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی ادامه دارد. ما نیز به سهم خود این کمپین را در سطح جهانی به پیش میبریم و همگان را به پیوستن به این کارزار فرامیخوانیم.

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی"
۱ دی ۸۸ - ۲۲ دسامبر ۲۰۱۰

سفارت جمهوری اسلامی، درواشنگتن دی سی، در لندن در مرکز شهر در ترافالگار اسکور بر پا شد. در کنار این تظاهرات ما شاهد برپایی شب های همبستگی با کارگران زندانی در شهرهای گوتنبرگ سوئد، اسلو و لندن بودیم. در لندن از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی مراسمی برپا شد که شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، علی خرد نژاد: زندانی سیاسی سابق در زندان اوین، پریکو رودریگز: زندانی سیاسی سابق در آرژانتین، کارل دروت: از سوی ایران سولیدارتی- انگلستان، شاین اینریت از طرف عفو بین الملل، علیرضا رشیدی: زندانی سیاسی سابق در زندان کهریزک و بهرام سروش از طرف کمپین برای آزادی کارگران زندانی در آن سخنرانی داشتند. موضوع سخنرانی او اساسا وضعیت کارگران زندانی در ایران و خواست آزادی فوری آنها از زندان بود. در ونکوور در مراسمی که از سوی تریبونال بین المللی محاکمه سران رژیم برگزار شده بود، عباس ماندگار که یکی از سخنرانان این برنامه بود، در مورد وضعیت جسمی وخیم رضا شهابی در زندان و حمایت و پشتیبانی از کارگران زندانی سخن گفت.

در سطح جهانی همچنین تا کنون از سوی سازمان عفو بین الملل، کنفدراسیون اتحادیه های کارگری فرانسه "س ژت"، کنفدراسیون اتحادیه های کارگران

هفته ای که گذشت، هفته پرشوری از حمایت و همبستگی از کارگران زندانی و پاسخ به فراخوان خانواده رضا شهابی بود. رضا شهابی زیر فشار جلادان جمهوری اسلامی در اعتراض به ادامه بازداشتش در زندان دست به اعتصاب غذای خشک زده بود و بدست خانواده اش برای برداشتن فشار از روی رضا شهابی و آزادی فوری او از زندان از همه سازمانهای انسان دوست در سراسر جهان طلب حمایت و همبستگی کردند.

در هفته ای که گذشت در کشورهای مختلف ما شاهد تظاهراتهایی بودیم که از سوی جریانات مختلف سیاسی در وسط شهرها و در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی بر پا شد. این تظاهرات ها عمدتا از طرف جریانات سیاسی مختلف از جمله تشکیلاتهای خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی، ایران سولیدارتی، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، حزب کمونیست ایران، اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران در کشورهای مختلف، فراخوان داده شده بود. این تظاهرات ها در سوئد در شهرهای مالمو، استکهلم، گوتنبرگ، در کانادا در شهر تورنتو، در مقابل مرکز تلویزیونی سی بی سی، در کپنهاک پایتخت دانمارک، در مرکز شهر، در فرانکفورت در آلمان مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی، در اسلو پایتخت نروژ در مقابل

صدای کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باشیم!



شهرهای فرانکفورت، استکهلم، مالمو، گوتنبرگ، لندن، اسلو، پاریس، ژنو، کپنهاک، هلسینکی، بروکسل، تورنتو، واشنگتن و جاهای دیگر مردم معترض به خیابان آمدند و یکصدا خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی شدند.

همچنین بسیاری از اتحادیه های کارگری جهان با ارسال نامه های

طی هفته های اخیر و در سرمای گزنده اروپا اعتراضات پر شور و گرمی در حمایت از کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی در ایران برگزار شده است. برای آزادی فوری و بدون قید و شرط رضا شهابی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، علی اکبر نظری، غلام رضا غلام جسینی و بهنام ابراهیم زاده و دیگر زندانیان سیاسی همچون نسرين ستوده، در

اعتراضی شدید الحن به جمهوری اسلامی خواهان پایان دادن به اذیت و آزار فعالین کارگری شدند و از مطالبات و مبارزات کارگران و مردم ایران حمایت کردند.

زمانی جمهوری اسلامی هزار هزار زندانیان سیاسی را اعدام می صفحه ۱۱

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!